

# انتخاب موضوع پایان نامه در دانشکده معماری و شهرسازی

یک نظریه زمینه‌ای برآمده از تجارب اساتید راهنما

## چکیده

در دوره آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی، اجرا و نگارش پایان‌نامه تحصیلی، به‌عنوان یکی از مهمترین چالش‌های دانشجویان و اساتید راهنما شناخته می‌شود. این چالش در گرایش‌های موجود رشته‌ای مانند معماری و شهرسازی با ماهیت وجودی چندگانه اهمیت به‌سزایی دارد، هرچند اندک مطالعاتی در این زمینه انجام شده است. کشف چگونگی انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها و روش‌های به‌کار رفته در پژوهش پایان‌نامه‌ای دانشجویان کارشناسی ارشد رشته معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و تجربه اساتید در فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها هدف تحقیق حاضر بوده است. با توجه به نبود نظریه پیشینی پشتیبان این مطالعه، روش "نظریه زمینه‌ای" انتخاب شده است. در این رابطه با ۲۳ نفر از اساتید حاضر در گرایش موجود در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی مصاحبه‌هایی صورت گرفته است مصاحبه‌های انجام شده، پیاده‌سازی شده و با روش "تحلیل محتوا" در فرآیند کدگذاری به مدل پارادایمی رسیده است. نتایج تحقیق نشان دهنده‌ی حول هسته "فقدان یک راهبرد و گفتمان مشترک در حوزه انتخاب موضوع پایان‌نامه" در بستر یک دانشکده به مثابه عالم صغیر از عالم کبیر نظام آموزش عالی کشور تمرکز یافته است که ناشی از عواملی مانند شکاف بزرگ میان نهادهای دانشگاه، صنعت - دولت - جامعه، فقدان تصویر بزرگ‌تر از و تنوع رشته‌ای در دانشکده است. پیامد ناشی از پدیده این فقدان، جزیره‌ای شدن پژوهش‌ها در گروه‌ها و دوره‌های آموزشی، و عدم هم‌افزایی و انباشت نتایج پایان‌نامه‌ها است. نتایج این مطالعه می‌تواند در بازتعریف مجدد مفهوم، محصول و نحوه اجرا به برنامه آموزشی کشور در راستای تقویت رابطه نهاد دانشگاه، نهادهای سیاست‌گذار دولتی - همگانی و جامعه مدنی راهگشا باشد.

---

کلمات کلیدی: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، نظریه زمینه‌ای

## ۱ مقدمه

در پی گسترش قابل ملاحظه دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاهی در ایران، به‌ویژه دوره‌های کارشناسی ارشد، اینک بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها، از جمله پژوهش‌های معماری و شهرسازی، در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد صورت می‌پذیرد. پایان‌نامه اصلی‌ترین پژوهش دوره دانشجویی است که با خلق دانش از طریق نگارش آن، بر قدرت ابتکار و خلاقیت دانشجویان برای رفع مشکلات جامعه خویش افزوده می‌شود (نگهبان و همکاران، ۱۳۹۵). پایان‌نامه، به‌منزله عملکردی پژوهشی، بیانگر فعالیت علمی منسجم دانشجوی است که زیر نظر استادان راهنما و مشاور اجرا می‌گردد. ارائه یک پایان‌نامه مناسب، می‌تواند سرآغازی برای پیشبرد روند پژوهش در دانشگاه‌ها باشد (میرصمدی و همکاران، ۱۳۸۱). دانشگاه شهید بهشتی در «سند راهبردی» خود، هدایت پژوهش‌های دانشگاهی به سمت حل مشکلات و رفع نیازهای واقعی جامعه از طریق افزایش سهم پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مسئله محور و کاربردی را از جمله اهداف راهبردی خود اعلام نموده است (دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳).

بررسی چگونگی انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها و همچنین کندوکاو در تجربه کنشگران اصلی در فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها، به‌ویژه تجربه اساتید راهنما از این فرآیند، از آنجاکه می‌تواند به بالابردن کیفیت و بازدهی این‌گونه فعالیت‌های دانشگاهی کمک نماید، از اهمیت خاصی برخوردار است. پیشینه پژوهش بیانگر این موضوع است که پژوهش‌های موجود در زمینه‌ی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در ایران، عمدتاً توسط متخصصان دو رشته‌ی «کنابرداری و علوم اطلاع‌رسانی» و «علوم تربیتی» انجام پذیرفته و تحقیقات نسبتاً کم‌شماری توسط متخصصان دیگر رشته‌ها، صورت گرفته است. تاکنون پیرامون موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی در دانشگاه‌های ایران تقریباً هیچ پژوهشی انتشار نیافته است. با این وجود، برخی از پژوهش‌های داخلی که تا حدودی با موضوع این پژوهش مرتبطند، به دو مسئله اصلی، یعنی بررسی گرایش و روند موضوعی پایان‌نامه‌ها و بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها پرداخته‌اند. از پژوهش‌های داخلی که تا حدودی با موضوع مطالعه‌ی حاضر در حوزه معماری و شهرسازی مرتبطند می‌توان به مطالعه میرریاحی (۱۳۸۳) که به بررسی جایگاه پایان‌نامه تحصیلی در نظام آموزش معماری، مطالعه موردی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۹-۱۳۳۹) اشاره کرد. در رشته‌های نزدیک به حوزه معماری و شهرسازی نیز می‌توان از مطالعات ذیل نام برد:

«نیک‌سیرت و همکاران» (۱۳۹۱) در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع تحقیقات علمی دانشجویان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مطالعه کیفی «توکلی و ذوالفقاری» (۱۳۹۲) در زمینه مشکلات در انتخاب موضوع پایان‌نامه میان

دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران، مطالعه «یمنی دوزی سرخابی و مظفری» (۱۳۸۸) در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر تجارب پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی، مطالعه «عنبری» (۱۳۸۷) در زمینه‌ی تحلیل مسائل و کاستی‌های پژوهش‌های نوین در جامعه‌شناسی توسعه‌ی روستایی ایران، مطالعه «ملکی و همکاران» (۱۳۹۰) در زمینه تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های دوره‌ی تحصیلات تکمیلی رشته برنامه‌ریزی درسی سه دانشگاه در تهران، مطالعه‌ی «حسین‌پناه» (۱۳۸۶) در زمینه بررسی سیر گرایش موضوعی و روش پژوهش پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های دولتی تهران و مطالعه‌ی «حسین‌پناه و شیرزاد» (۱۳۹۳) و «شیرزاد و همکاران» (۱۳۹۳) در زمینه بررسی سیر گرایش موضوعی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های دولتی تهران اشاره نمود. در سطح پژوهش‌های بین‌المللی نیز می‌توان به برخی مطالعات مرتبط با موضوع مطالعه‌ی حاضر از جمله رساله‌ی دکترای «بار» (۱۹۸۴) در زمینه انتخاب موضوع رساله و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انتخاب دانشجو (Barr, 1984)، رساله‌ی دکترای «ژیا» (۲۰۱۳) در زمینه‌ی فهم تجربه‌ی انتخاب موضوع رساله (Xia, 2013)، مطالعه‌ی «ایساک و همکاران» (۱۹۸۹) در زمینه عوامل مرتبط با انتخاب موضوع رساله (Isaac et al., 1989)، رساله‌ی دکترای «کوزما» (۱۹۹۷) در زمینه ادراک عوامل اثرگذار بر انتخاب موضوع رساله در برنامه دکترای «یادگیری از راه دور» (Kozma, 1997) و همچنین به رساله دکترای «سشنز» (۱۹۷۱) در زمینه عوامل مرتبط با انتخاب عنوان رساله و نقش دانشجو و کارکنان (SESSIONS, 1972) اشاره کرد.

مرور ادبیات موجود نشان‌دهنده نبود مطالعات کافی پیرامون پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی در ایران، به‌ویژه در مورد فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها است. مرور روش‌شناختی منابع موجود همچنین نشان می‌دهد که تاکنون کمتر در مطالعات موجود به تجربه زیسته کنشگران، به‌ویژه اساتید راهنما در مورد چگونگی انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها بر اساس روش‌های کیفی، مخصوصاً بر اساس روش نظریه زمینه‌ای پرداخته شده است.

پرسش بنیادین و هدف اولیه این پژوهش در مراحل آغازین شکل‌گیری مطالعه، بررسی ماهیت گونه‌شناختی و چیستی پایان‌نامه‌ها در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی بود. مع‌هذا این پرسش اولیه، همچون پرسش‌های دیگر پژوهش‌های اکتشافی - کیفی به موازات پیشرفت مطالعه دچار دگردیسی شده و به‌مرورزمان در قالب پرسش‌های دقیق‌تری مورد توجه پژوهشگران مطالعه حاضر واقع گردید. پرسش‌های مطرح در مورد پایان‌نامه‌های دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، به‌عنوان دانشکده‌ای که طیف گسترده و متنوعی از دوره‌های کارشناسی ارشد را ارائه می‌نماید، از این قرار است:

- اساتید راهنما چه انتظارات و تعاریفی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دارند؟

- چه عواملی در انتخاب موضوع پایان‌نامه مؤثر بوده‌اند؟

- چه فرایندی برای انتخاب موضوع طی شده است و نقش کنشگران (استاد راهنما، دانشجو، گروه و ...) چه بوده است؟
- سیر تطور موضوعات پایان‌نامه‌ها در طی زمان چگونه بوده است؟
- چه چالش‌هایی در فرآیند انتخاب موضوع تجربه شده‌اند؟
- آیا میان فرآیند و الگوی کنونی برای انتخاب موضوع و وضعیت مطلوب از منظر اساتید راهنما شکاف و فاصله‌ای وجود دارد؟
- و در نهایت موضوع پایان‌نامه مطلوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

پرسش‌های جزئی فوق، بازتاب‌دهنده دغدغه فکری پژوهشگران حاضر بوده و در ترکیب با یکدیگر پرسش اصلی پژوهش را شکل می‌دهند. پرسش اصلی در این مطالعه، به‌مثابه چتری که در ذیل خود امکان ارائه پاسخ به پرسش‌های جزئی فوق‌الذکر را فراهم می‌آورد از این قرار است که اساساً «اساتید دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد را چگونه تجربه می‌کنند؟» و به عبارت دیگر «فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها برای اساتید راهنما چه معنایی دارد؟» برای ارائه پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، در این مطالعه از روش‌شناسی «نظریه زمینه‌ای»<sup>۱</sup> استفاده شده است. هدف این مطالعه تدوین یک «مدل پارادایمی» به‌گونه‌ای است که دربرگیرنده پاسخ به پرسش‌های فرعی زیر باشد:

۱. مقوله محوری در تجربه اساتید راهنمای دانشکده معماری و شهرسازی از فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کدام است؟

۲. مقوله محوری مزبور تحت چه «علل» و «شرایط مداخله‌گر» و «شرایط زمینه‌ای» ایجاد شده است؟

۳. تعامل اساتید راهنما با مقوله محوری چگونه بوده است؟ و چه «پیامد»‌هایی داشته است؟

این مطالعه از ۳ بخش اصلی تشکیل شده است. بخش نخست به روش پژوهش، معرفی زمینه دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و اساتید مشارکت‌کننده در پژوهش پرداخته است. بخش دوم به معرفی یافته‌ها و طبقه‌بندی و استخراج زیر-مقولات و مقولات و ارائه مدل این پژوهش اختصاص دارد. در نهایت فصل سوم به بحث و ارائه نتیجه این مطالعه اختصاص یافته است. در این تحقیق، ادبیات نظری مرتبط با موضوع، در قالب بخش سوم تحقیق به همراه بحث درباره یافته‌های تحقیق مورد استفاده قرار گرفته و زمینه لازم جهت نتیجه‌گیری مطالعه را فراهم می‌سازد. تذکر این نکته ضروری است که اساساً

<sup>۱</sup> Grounded Theory

نحوه استفاده از ادبیات موضوع و محل ارائه آن در تحقیقات نظریه زمینه‌ای قدری پیچیده است و می‌تواند با شیوه مرسوم در ساختار سنتی پژوهش‌ها متفاوت باشد.

## ۲ روش‌شناسی پژوهش

### ۱-۲ طرح پژوهش

این مطالعه، پژوهشی کیفی بر اساس روش «نظریه زمینه‌ای» است. در این روش پژوهشگر، مطالعه خود را نه بر اساس فرضیه‌ای مستخرج از نظریه‌های قبلی، بلکه بر پایه داده‌های موجود در بستر مطالعه آغاز می‌کند و این فرصت را فراهم می‌آورد تا نظریه، یعنی «نظریه زمینه‌ای»، طی فرآیند منظمی از درون داده‌ها پدیدار و کشف شود (Strauss & Corbin, 1998). در مطالعات نظریه زمینه‌ای مفهوم «حساسیت نظری»<sup>۱</sup> از اهمیت خاصی برخوردار است. حساسیت نظری به ویژگی بصیرت و مهارت پژوهشگر در معنی‌دار نمودن داده‌ها، استعداد درک و قدرت تجزیه و تفکیک عناصر مربوط از عناصر نامربوط اطلاق می‌شود که از طریق تجربه حرفه‌ای، مطالعه متون و ادبیات موضوع، تجربه شخصی و روند تحلیل داده‌ها در خلال پژوهش ممکن می‌شود. اهمیت حساسیت نظری در این نکته است که چون اساساً پژوهش کیفی و نظریه زمینه‌ای در پی معنا دادن به داده‌ها هستند، تجربه، دانش و سروکار داشتن با یک مقوله به‌طور مداوم، توانایی معنا دادن به رخدادها و واقعیت‌ها را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، حساسیت نظری توانایی پژوهشگر در کشف آن چیزی است که داده‌ها می‌گویند (لک، ۱۳۹۳).

### ۲-۲ بستر مطالعه و مشارکت‌کنندگان

بستر مطالعه در این پژوهش دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی است که پژوهشگران مطالعه حاضر مدت طولانی، بعضاً به مدت بیش از ۲۰ سال در آن به تدریس اشتغال داشته‌اند. دانشکده معماری و شهرسازی در سال تحصیلی ۱۳۳۸-۱۳۳۹ افتتاح شده و در ابتدا فقط متولی ارائه یک دوره کارشناسی ارشد پیوسته رشته معماری بوده است. این دانشکده طی شصت سال گذشته در کنار دوره کارشناسی ارشد معماری خود، دوره‌های کارشناسی ارشد رشته‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (سال ۱۳۵۶)<sup>۲</sup>، طراحی شهری (سال ۱۳۶۶)، مدیریت پروژه و ساخت (سال ۱۳۷۸)، معماری منظر (سال ۱۳۷۹)،

<sup>۱</sup> Theoretical Sensitivity

<sup>۲</sup> رشته‌ی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از سال ۱۳۸۷، به شکل دو رشته مجزای برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای ارائه می‌شود.

بازسازی پس از سانحه (سال ۱۳۸۴)، مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی (سال ۱۳۸۷)، مطالعات معماری ایران (سال ۱۳۸۴)، فناوری معماری (سال ۱۳۹۴) و معماری و انرژی (سال ۱۳۹۵) را افتتاح و ارائه نموده است.<sup>۱</sup>

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، اساتید دوره‌های کارشناسی ارشد دانشکده هستند و بر اساس روش «نمونه‌گیری هدفمند»<sup>۲</sup> انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب ایشان داشتن سابقه «کافی» در هدایت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در مقام استاد راهنما بوده است. به عبارت دیگر در این پژوهش تلاش گردیده تا حد امکان باتجربه‌ترین اساتید راهنمای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد مشارکت نمایند. همچنین تلاش گردیده است تا از همه دوره‌های کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، مشارکت‌کنندگانی حضورداشته باشند تا امکان گردآوری و بررسی طیف غنی‌تری از تجارب ممکن گردد. پس از آغاز کار با روش «نمونه‌گیری هدفمند» که بر اساس معیار سابقه اساتید در راهنمایی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد صورت پذیرفت و در پی پدیدارشان مقوله‌های اولیه، مشارکت‌کنندگان بعدی با استفاده از روش «نمونه‌گیری نظری» تا حصول اشباع نظری مقوله‌ها و مفاهیم کشف شده انتخاب شده‌اند. مجموعاً ۲۳ نفر از اعضای هیئت‌علمی دانشکده معماری و شهرسازی<sup>۳</sup> در این مطالعه مشارکت نموده‌اند که از دوره‌های کارشناسی ارشد رشته‌های گوناگون مشتمل بر مشارکت‌کنندگانی از رشته‌های معماری (۴ نفر)، برنامه‌ریزی شهری (۲ نفر)، برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۲ نفر)، طراحی شهری (۳ نفر)، مدیریت پروژه و ساخت (۴ نفر)، معماری منظر (۲ نفر)، بازسازی پس از سانحه (۲ نفر)، مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی (۲ نفر) و مطالعات معماری ایران (۲ نفر) می‌گردد. از نظر مرتبه دانشگاهی، مشارکت‌کنندگان شامل ۱۰ نفر استاد تمام (۴۴٪)، ۵ نفر دانشیار (۲۲٪)، ۷ نفر استادیار (۳۰٪) و ۱ نفر مربی (۴٪) می‌شوند.

### جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کُد	مرتبه دانشگاهی	جنسیت	سمت سازمانی <sup>۴</sup>	سابقه رشته‌ای انتخاب پایان‌نامه
P1	استادیار	مرد	هیات علمی	برنامه‌ریزی شهری

۱- این دانشکده ۳ دوره دکتری در رشته‌های معماری، طراحی شهری و شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای) ارائه می‌نمایند که رساله‌های آن‌ها در محدوده مطالعه حاضر قرار نمی‌گیرند.

<sup>۲</sup> Purposeful Sampling

<sup>۳</sup> در انجام این مطالعه متأسفانه دو تن از همکاران حاضر در این مطالعه آقای دکتر فرخ مشیری و مجتبی حسین‌علی‌پور دار فانی را وداع گفتند.

<sup>۴</sup> - سمت سازمانی مشارکت‌کنندگان مربوط به سمت ایشان در زمان انجام مصاحبه‌های این پژوهش (سال ۱۳۹۴) بوده است.

P2	دانشیار	زن	هیات علمی	مطالعات معماری ایران
P3	استاد	مرد	هیات علمی	طراحی شهری
P4	مربی	مرد	هیات علمی	معماری
P5	دانشیار	مرد	مدیر گروه معماری منظر	معماری منظر
P6	دانشیار	مرد	مدیر گروه تاریخ معماری و مرمت ابنیه و بافت	مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی
P7	استادیار	مرد	مدیر گروه ساختمان	مدیریت پروژه و ساخت
P8	استاد	زن	هیات علمی	برنامه‌ریزی شهری
P9	استادیار	زن	معاون پژوهشی دانشکده	معماری منظر
P10	استاد	مرد	رییس دانشکده	مرمت/ بازسازی بعد از سانحه / معماری
P11	استاد	مرد	هیات علمی	مدیریت پروژه و ساخت
P12	استاد	مرد	مدیر گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای	برنامه‌ریزی منطقه‌ای
P13	دانشیار	مرد	مدیر گروه معماری	معماری
P14	استاد	مرد	هیات علمی	طراحی شهری
P15	استاد	مرد	مدیر گروه بازسازی پس از سانحه	بازسازی پس از سانحه
P16	دانشیار	مرد	مدیر گروه مطالعات معماری	مطالعات معماری ایران
P17	استادیار	مرد	هیات علمی	مدیریت پروژه و ساخت
P18	استاد	مرد	هیات علمی	طراحی شهری
P19	استادیار	مرد	هیات علمی	برنامه‌ریزی منطقه‌ای
P20	استادیار	مرد	معاون آموزشی دانشکده	بازسازی پس از سانحه/معماری
P21	استاد	مرد	هیات علمی	معماری
P22	استاد	مرد	هیات علمی	معماری/مطالعات معماری ایران
P23	استادیار	مرد	معاون اجرایی دانشکده	مدیریت پروژه و ساخت

## ۳-۲ گردآوری داده‌ها

در این مطالعه برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه «نیمه-ساختارمند»<sup>۱</sup> با مشارکت کنندگان استفاده شده است. مصاحبه نیمه-ساختارمند امکان بیان آزاد و عمیق تجارب مشارکت کنندگان در زمینه مورد مطالعه را فراهم می‌آورد (Longhurst, 2003). روال انجام مصاحبه‌ها بدین گونه بوده است که ابتدا در فروردین ۱۳۹۴ طی نامه‌ای شامل بیان مسئله و هدف پژوهش، از اساتید

مشارکت‌کننده برای تعیین وقت مصاحبه‌ای حدوداً ۳۰ دقیقه‌ای دعوت شد<sup>۱</sup>. در نامه مزبور، دو پرسش کلی جهت تأمل مشارکت‌کنندگان و ایجاد حساسیت در آنان ارائه شده بود که در پرسش نخست تشریح تجربه مشارکت‌کنندگان در مورد انتخاب موضوع پایان‌نامه‌هایی که تاکنون انجام داده‌اند خواسته شده بود؛ و در پرسش دوم نظر مشارکت‌کنندگان در مورد شیوه بهینه انتخاب یا تولید موضوع برای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پرسیده شده بود. مجموعاً ۲۳ نفر از اعضای هیئت‌علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، بر اساس معیار برخورداری از سوابق قابل‌ملاحظه در سرپرستی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، در یک بازه زمانی تقریباً دوماهه در فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۴ در مصاحبه‌های نیمه-ساختارمند شرکت نمودند. مدت مصاحبه‌های انجام‌گرفته بین ۳۰ الی ۶۵ دقیقه بوده است. برای ضبط مصاحبه‌ها، پس از کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان جهت ضبط صدا، از یک «قلم هوشمند»<sup>۲</sup> استفاده شده است. این قلم قابلیت هم‌زمان ضبط صدای مشارکت‌کننده به همراه یادداشت‌برداری پژوهشگر از مصاحبه را فراهم می‌آورد و خروجی آن به صورت فایل صوتی و فایل متنی یادداشت‌ها امکان مناسب‌تری برای پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها<sup>۳</sup> جهت انجام تحلیل داده‌ها را فراهم می‌آورد.

## ۴-۲ تحلیل داده‌ها

در این مطالعه تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان با گردآوری داده‌ها صورت گرفته تا زمینه لازم جهت نمونه‌گیری نظری و کشف مقولات جدید و تعیین ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها فراهم شود. تحلیل داده‌ها به شیوه سامان‌مند و مطابق مراحل زیر انجام گرفته است.

نخست، مصاحبه‌های ضبط‌شده عیناً و کلمه به کلمه به صورت متن دست‌نویس پیاده‌سازی شدند و سپس به شیوه مرسوم در پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه در مطالعات نظریه زمینه‌ای (لک، ۱۳۹۳) برخاسته از دیدگاه استراوس و کربین (۱۹۹۸) در گام‌های

---

<sup>۱</sup> ذکر این نکته لازم است علاوه بر طولانی بودن فرایندگردآوری و تحلیل داده‌ها، شرایط ناشی از همه‌گیری بیماری کرونا نیز بر به تعویق افتادن نتایج این مطالعه

موثر بوده است.



پی‌درپی متن دست‌نویس مصاحبه‌ها به‌طور سیستماتیک کدبندی آزاد، محوری و گزینشی<sup>۱</sup> شده‌اند (Strauss & Corbin, 1998). در جریان تحلیل داده‌ها به‌منظور اعتباربخشی به این امر، از دو منبع دیگر نیز استفاده‌شده است که عبارت‌اند از الف: مجموعه یادداشت‌هایی که پژوهشگران (مصاحبه‌گر) در حین مصاحبه‌ها برداشته بودند و ب: یادداشت‌های اجمالی که یکی از پژوهشگران پس از استماع فایل صوتی مصاحبه‌ها از کلیات و نکات برجسته مورد اشاره تهیه کرده بود.

برای انجام کدبندی آزاد، ابتدا متن دست‌نویس‌شده‌ی مصاحبه، مورد مطالعه دقیق و تحلیل خط به خط قرار گرفت و با توجه به «حساسیت نظری» برخاسته از سوابق کار و مطالعاتی پژوهشگران «مفاهیم» پراهمیت مندرج در متون کشف و استخراج گردید. در این راستا با استفاده از روش «مقایسه مستمر»<sup>۲</sup> تفاوت و مشابهت‌های مفاهیم به‌دست‌آمده دائماً مورد بررسی قرار گرفته و مجدداً پالایش و سازمان‌دهی شده‌اند. همچنین در این مرحله «مقوله»های پراهمیت از درون مفاهیم پیشین بیرون کشیده شده‌اند و ویژگی‌ها و دامنه<sup>۳</sup> آن‌ها شناسایی گردیده‌اند. مطابق توصیه استراوس و کرین (۱۹۹۸) در این مرحله پژوهشگران از آنچه شنیده و دیده بودند، فراتر رفته و آن را به سطح انتزاع برکشیده و سپس دوباره آنچه را شنیده‌اند، دور زده و به سطح داده‌ها فروآمده‌اند. به بیان دیگر، مکرراً از رویکردی استقرایی به رویکردی قیاسی و برعکس بازگشت نمودند. در کدبندی محوری، مقولات کشف‌شده تحت عناوین مقوله‌های علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، تعاملی و پیامدی طبقه‌بندی و برجسب‌گذاری شده و روابط میان آن‌ها به صورت یک مدل پارادایمی نمایش داده‌شده است و نهایتاً با انتخاب مقوله مرکزی یا مقوله هسته (که همان پدیده اصلی مطالعه است) کدگذاری گزینشی به انجام رسیده و تحلیل داده‌ها تکمیل شده است.

## ۲-۵ قابلیت اعتماد پژوهش

برای حصول اطمینان از «قابلیت اعتماد»<sup>۴</sup> یافته‌های این مطالعه از معیارهای چهارگانه پیشنهادی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)، یعنی «اعتبار، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری»<sup>۵</sup> استفاده‌شده است (Lincoln & Guba, 1985). معیار «اعتبار» به معنی اطمینان از «صحت» یافته‌هاست. در پژوهش حاضر تلاش گردیده است تا از طریق تخصیص زمان کافی برای کارها، انجام

1 -Open Coding; Axial Coding and Selective Coding

2 Constant Comparative Method

3 Properties & Dimensions

4 Trustworthiness

5 Credibility, Transferability, Dependability, Confirmability

بررسی‌های مداوم، سه‌سویه‌سازی<sup>۱</sup> (در کنار انجام مصاحبه نیمه-ساختارمند، از یادداشت‌های میدانی و ارتباط طولانی‌مدت پژوهشگران با موضوع پژوهش استفاده شد)، بهره‌گیری از نظریات همکاران، جستجو و تحلیل موارد مغایر و نهایتاً اتکا بر مقبولیت پیشینه تجربی و دانش پژوهشگران، معیار «اعتبار» موردتوجه قرار گیرد. معیار «انتقال‌پذیری» به معنای کاربردپذیری یافته‌های پژوهش در بسترها و موقعیت‌های دیگر است که در این مطالعه از طریق «توصیف عمیق و پرمایه» عملیات انجام‌شده و شرح تفصیلی موقعیت‌ها پیگیری شده است. معیار «اتکاپذیری» به معنای عدم تناقض میان یافته‌ها و تکرارپذیری آن‌هاست، که در این مطالعه از طریق «ممیزی پژوهش» به کمک مشورت با صاحب‌نظران دیگر و همچنین ارائه خلاصه‌ای از نتایج پژوهش به تعدادی از مشارکت‌کنندگان جهت بررسی درستی مقولات کشف‌شده، موردتوجه بوده است. معیار «تأییدپذیری» به معنای درجه خنثی‌بودن و بی‌طرفی یافته‌ها و اینکه یافته‌ها توسط حساسیت‌ها و علایق مشارکت‌کنندگان (و نه پژوهشگران) شکل گرفته باشد، است. این امر از طریق ممیزی تأییدپذیری، سه‌سویه‌سازی و تأمل و بازاندیشی انجام شده است.

## ۶-۲ ملاحظات اخلاقی

جهت انجام مصاحبه‌ها پیشاپیش موافقت مشارکت‌کنندگان اخذ گردید و ایشان نسبت به اهداف پژوهش توجیه گردیدند. پیش از انجام هر یک از مصاحبه‌ها، از مشارکت‌کننده مزبور جهت ضبط صدای گفتگوها به صورت شفاهی اجازه لازم گرفته شده است.

## ۳ یافته‌های پژوهش

مجموعه مصاحبه‌های انجام‌شده از ۲۳ تن از اساتید دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی طبق فرایند تحلیل داده‌های کیفی و بر اساس «نظریه زمینه‌ای»، منجر به استخراج «تم‌ها»، «زیر-مقوله‌ها» (۵۱ مورد) و «مقوله‌ها» (۱۷ مورد) (جدول ۲) شده است که در ذیل به مشروح آن پرداخته می‌شود.

<sup>۱</sup> Triangulation

### ۱-۳ مقوله‌ها (کدبندی آزاد)

#### ۱-۱-۳ تنوع در دانشکده

تحلیل داده‌های گردآوری شده در این مطالعه، تنوع در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی را به‌عنوان یکی از مقولات اصلی آشکار می‌نماید. این مقوله خود از دو زیر-مقوله‌ی «تنوع رشته‌های دانشکده» (شامل تم‌های «تفاوت در علوم پایه‌ی رشته‌ها» و «طراحی-محوری و پژوهش-محوری») و «تنوع در پایه تحصیلی دانشجویان ورودی» (شامل تم‌های «تفاوت در توان دانشجویان»، «تغییر در پایه تحصیلی دانشجویان ورودی» و «سم‌زدایی از آموزش‌های قبلی») شکل می‌گیرد.

#### ۱-۱-۱-۳ تنوع رشته‌های دانشکده

**الف- تفاوت در علوم پایه‌ی رشته‌ها:** دوره‌های تحصیلی ارائه‌شده در دانشکده هر یک به حوزه دانشی معینی نزدیک بوده و طبیعتاً از ماهیت خاص حوزه مزبور نیز برخوردارند. مثلاً دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و بازسازی پس از سوانح عموماً به حوزه «علوم اجتماعی»، دوره برنامه‌ریزی منطقه‌ای عموماً به حوزه «علوم اقتصادی و جغرافیا»، دوره مطالعات و تاریخ معماری به حوزه «علوم انسانی»، دوره فناوری ساخت به «حوزه مهندسی و علوم دقیقه»، دوره مدیریت ساخت و پروژه به حوزه دانش «مدیریت» و دوره‌های طراحی شهری، معماری و معماری منظر به حوزه «هنر، طراحی و علوم رفتاری» متمایل هستند.

**ب- طراحی - محوری و پژوهش - محوری:** تنوع در دوره بر اساس طیف‌های دوقطبی همچون دوره‌های «طراحی محور - پژوهش محور»، «کاربردی - بنیادی»، «پارادایمی - غیر پارادایمی» و ... نیز مشاهده می‌شود؛ بنابراین شاید مبالغه نباشد که دانشکده معماری و شهرسازی را با دربرگرفتن چنین طیف متنوعی از حوزه‌های دانشی، به‌مثابه مدل کوچک یا «عالم صغیر» از کلیت یا «عالم کبیر» دانشگاه شهید بهشتی تصور نمود.

#### ۲-۱-۱-۳ تنوع پایه تحصیلی دانشجویان ورودی

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، تنوع و تفاوت دانشجویان ورودی، از نظر پایه تحصیلی در دوره کارشناسی آن‌ها، نقش پراهمیتی در شیوه آموزش به‌طور کلی و در شیوه تهیه پایان‌نامه به‌طور خاص داشته است که شامل تفاوت در توان دانشجویان و تغییر در پایه‌ی تحصیلی دانشجویان ورودی است.

تفاوت ماهوی رشته‌ها و به‌اصطلاح «ذات متفاوت» آن‌ها مکرراً توسط مشارکت‌کنندگان اشاره شده است؛ نظیر اشاره به رشته‌های طراحی-محور در مقابل رشته‌های عمدتاً مطالعاتی و نظری و تفاوت بین حوزه‌های میان‌رشته‌ای در مقابل حوزه‌های

رشته‌ای بسیط و ... این تفاوت بعضاً در حد تفاوت بنیادین میان ماهیت برخی از رشته‌ها و ماهیت کلی دانشکده معماری و سبقه کاربردی آن بیان شده است.

سم‌زدایی از آموزش‌های قبلی نیز مورد توجه مشارکت‌کنندگان پژوهش بوده است. نوع رشته تحصیلی مقطع کارشناسی دانشجویان ورودی، گاهی به‌عنوان نقطه‌ضعف و گاهی به‌عنوان فرصت روایت شده است. بعضاً عادات تحصیلی و سنت‌های نهادینه شده در دوره پایه کارشناسی دانشجویان ورودی به‌مثابه محدودیتی برای انجام مطالعات در دوره ارشد گزارش شده و بعضاً به لزوم «سم‌زدایی از آموزش نادرست قبلی» و ضرورت «نگاه نو به جهان» اشاره شده است.

### ۳-۱-۲ برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی

مقاله «برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی» و کاربرست واژگان و مفاهیم آن در فعالیت‌های دانشکده مورد اشاره مشارکت‌کنندگان بوده است. این مقاله از دو زیر-مقاله «توجه به مفاهیم برنامه‌ریزی راهبردی» (شامل تم‌های «مأموریت و چشم‌انداز» و «مدون یا نامدون بودن برنامه») و «امکان و امتناع برنامه‌ریزی راهبردی» (شامل تم «تغییرات سریع رویه‌ها») است.

رابطه میان کلیت دوره کارشناسی ارشد و پایان‌نامه آن و نقشی که دانش برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی و مفاهیم آن می‌توانند در تنظیم رابطه مزبور ایفا نمایند، مورد اشاره مشارکت‌کنندگان قرار گرفته است:

«رساله دانشجو و تشکّل شخصیتی و حرفه‌ای اون دانشجویی که از اون رشته میاد بیرون، تبلور «بیانیه

مأموریت» هست. مأموریت گروه همینه» (P1)

بعلاوه میزان امکان یا امتناع برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی با میزان ثبات در رویه‌ها و چارچوب‌های کلان مدیریتی دانشکده، دانشگاه و یا حتی وزارتخانه‌ها مرتبط دانسته شده است.

«... ممکنه بسیاری از کارهایی که ما امروز داریم می‌کنیم و رویه‌هایی که تو دانشکده و دانشگاه داریم،

به‌کل عوض بشه. آن چنان که تو وزارت‌خونه ممکنه عوض بشه و شده. مثلاً فرض کنین [در مورد] برنامه‌ریزی

آموزشی شون یه روالی وجود داشت. بعد اومده یه دفعه به کلی برداشته عوض کرده.» (P10)

### ۳-۱-۳ بی‌ثباتی

یکی از مقولات استخراج شده از تحلیل داده‌ها، مقوله بی‌ثباتی و تغییرات مکرر است که شامل دو زیر-مقاله «کوتاه‌شدن طول دوره آموزشی» (مشمتمل بر تم‌های «کوتاه‌شدن زمان دوره‌ها» و «کم‌شدن تعداد واحدهای درسی دوره‌ها») و «تغییرات مدیریتی» (مشمتمل بر تم‌های «تغییرات مدیریتی دانشگاهی» و «تغییرات مدیریتی دستگاه‌های دولتی دیگر») می‌شود.

### ۳-۱-۴ ظرفیت پشتیبانی

ظرفیت لجستیک و پشتیبانی دانشکده از فعالیت‌های علمی-پژوهشی مقوله‌ای است که از دو زیر-مقوله‌ی «پشتیبانی اطلاعاتی» (مشمول بر تم‌های «کتابخانه» و «فضای مجازی») و «پشتیبانی کارهای میدانی» (شامل تم «مسافرت و اسکان») شکل می‌گیرد.

### ۳-۱-۵ برنامه درسی پنهان

مشارکت‌کنندگان، در کنار اهمیت برنامه درسی آشکار دانشکده، به نقش ارزش‌ها و باورهای ضمنی که از طریق جو کلی دانشکده و به‌صورت غیرمستقیم القا می‌گردد، تأکید کرده‌اند. مقوله «برنامه درسی پنهان» از دو زیر-مقوله «جو کلی دانشکده» (شامل تم‌های «تأثیر غیرمستقیم محیط دانشکده» و «جو آسان‌گیرانه دانشکده») و مقوله «درک و تجربه دانشجو از جو دانشکده» (شامل تم‌های «حسابگری دانشجو پیرامون جلسه دفاع پایان‌نامه» و «فهم زیرکانه دانشجو از قدرت خود») شکل می‌گیرد.

### ۳-۱-۶ کپی‌برداری از دانشگاه‌های غربی

مقوله‌ی الگوبرداری غیرانتقادی از عنوان، ساختار و محتوای برنامه‌های آموزشی و دوره‌های تحصیلی دانشگاه‌های غربی، از مقولات استخراج‌شده از اظهارات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش است. این مقوله شامل دو زیر-مقوله «الگوبرداری غیرانتقادی دوره‌ها و برنامه آموزشی» (مشمول بر تم‌های «کپی‌برداری بودن دوره‌ها»، «واردات الگو از همه‌جا و همه‌ی سبک‌ها و نامعلومی اهداف بومی») و «غیراصیل بودن منابع» (مشمول بر تم‌های «دانش ترجمه‌ای و غیرتألیفی» و «رابطه هویت ملی و منابع») است.

### ۳-۱-۷ شکاف میان رشته (دانشگاه)، حرفه (صنعت)، دولت و جامعه

این مقوله شامل سه زیر-مقوله «شکاف میان دانشگاه و صنعت» (شامل تم‌های «نبود انجمن‌های حرفه‌ای» و «فقدان اعتبارسنجی دانشگاه توسط حرفه»)، «شکاف میان دانشگاه و دولت» (شامل تم‌های «دانش محور نبودن تصمیم‌گیری‌های دولت» و «انتظارات ناصواب دولت») و «شکاف میان دانشگاه و جامعه» (شامل تم «جوابگو نبودن به نیاز جامعه») هست.

### ۳-۱-۷-۱ شکاف میان دانشگاه و صنعت

یکی از مقولات به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، شکاف موجود میان رشته‌های کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی و کارورزی یا حرفه‌ی متناظر آن‌ها است. این شکاف که معمولاً با عنوان کلی‌تری تحت عنوان شکاف میان دانشگاه و صنعت مطرح هست، دلالت بر گسیختگی رابطه فعالیت‌های دانشگاهی، از جمله محتوای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و نیازهای جامعه

دارد. ارتباط ضعیف میان رشته‌های دانشکده با بخش‌های سه‌گانه نظام حکمروایی توسعه کالبدی کشور، یعنی بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی مورد اشاره مشارکت‌کنندگان در این مطالعه قرار گرفته است.

«می‌تونم این‌رو بگم که رابطه‌ای بین رشته و اون واقعیتی که در بیرون هست، وجود ندارد و رابطه‌ای

بین اون چیزی که مشاور تهیه می‌کنه و واقعیتی که در سطح شهر و منطقه و ملی اتفاق می‌افته وجود ندارد.»

(P1)

**الف- نبود انجمن‌های حرفه‌ای:** فقدان انجمن‌های حرفه‌ای و صنفی قدرتمند نظیر انجمن‌های معماران، طراحان شهری، معماران منظر که توسط نهادهای قانونی به رسمیت شناخته شده باشند و قادر بر نظارت بر کارورزی دارندگان پروانه اشتغال این رشته‌ها باشند از جمله زیر-مقولاتی است که از داده‌های گردآوری شده استخراج گردیده است:

«ما الان هیچ موسسه، انجمن یا نهادی تحت عنوان انجمن برنامه‌ریزان کشور نداریم. در حالی که در تمام

کشورهای حتی نیمه توسعه‌یافته، این انجمن‌ها به رسمیت شناخته میشن و نقش دارن. در سطح کشور ما اصلاً

همچین موسسه‌ای وجود نداره؛ یعنی بعد از سالیان دراز که این رشته در کشور ما حضور پیدا کرده در دانشگاه‌ها،

ما هنوز یک انجمن حرفه‌ای برنامه‌ریزان کشور نداریم و کسی این رشته رو به رسمیت نمی‌شناسه. حتی وزارت

مسکن و شهرسازی، حتی سازمان برنامه و بودجه، حتی جامعه مشاورین ایران.» (P1)

**ب- فقدان اعتبارسنجی دانشگاه توسط حرفه:** بخشی از ضعف رابطه میان رشته‌های دانشکده و فعالیت‌های حرفه‌ای متناظر آن در جامعه، به نبود فرآیند نظارت بر رشته توسط انجمن حرفه‌ای و به‌ویژه به فقدان فرآیند اعتبارسنجی دانشگاه توسط انجمن‌های حرفه‌ای نسبت داده شده است.

«... حالا ما مرتباً خودمون رو با آمریکا مقایسه می‌کنیم. ولی یه دلیلی داره که مقایسه می‌کنیم. یکی از

دلایلش اینه که بالاخره یه جامعه‌ای است که از لحاظ حرفه پیشرفته است و داره نشون میده که حرفه‌ها نقش

دارن توی جامعه. اولاً که کردیت (اعتبار) دانشگاه‌های آمریکا رو نظام حرفه‌ای می‌ده، نه وزارت علوم؛ یعنی

انجمن برنامه‌ریزان آمریکا (AIP) یا انجمن معماران آمریکا (AIA). این‌ها هستند که مثلاً به دانشگاه برکلی،

استنفورد، هاروارد یا ام-آی-تی اعتبار می‌دهند و شما می‌تونید رشته‌ی دکتری بذاری. پس این همیشه رشته در

وهله اول. خب! دوم این‌که این فردی که از اون رشته خارج می‌شه، همین‌جوری نمی‌تونه بیاد وارد حرفه بشه.

همین AIP یا AIA این‌رو آزمایش می‌کنه، برای چی؟ برای این‌که بهش مجوز کار بده.» (P1)

### ۳-۱-۷-۲ شکاف میان دانشگاه و دولت

**الف- دانش محور نبودن تصمیم گیری دولت:** عدم اتکای کافی فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی بر یافته‌های پژوهشی و بی‌توجهی آنان به لزوم دانش-پایه بودن فرآیندهای تصمیم‌گیری از جمله عواملی است که شکاف میان رشته‌های دانشگاهی و کاربرد عملی آن‌ها را عمق بخشیده است.

«... من چون کار اجرایی و دولتی کردم، من این‌رو می‌دونم. ببینین، مملکت ما اساساً مدیریتش بر اساس

دانش و اطلاعات نمی‌گرده؛ که حالا بیاییم این مسائل رو ردیف کنید ارجاع بدید به دانشگاه‌ها و دانشگاه‌ها بیان

اینارو کار کنن به صورت استراتژیک برای ۵ سال، ۱۰ سال.» (P10)

**ب- انتظارات ناصواب دولت:** برداشت نادرست دستگاه‌های دولتی از نقش دانشگاه، به‌ویژه در حوزه‌ی امور معماری و شهرسازی موجب تضعیف هرچه بیشتر رابطه میان این دو نهاد شده است. درحالی‌که دانشکده معماری و شهرسازی انتظار دریافت سفارش کار از نهادهای دولتی نظیر وزارت مسکن و شهرسازی را دارد، نهادهای مزبور به ارائه حرف‌های بسیار کلی و شبه‌فلسفی بسنده نموده و بعضاً از دانشگاه می‌خواهند وظیفه وزارتخانه مزبور را، آن‌هم بدون وجود سفارش مشخص از جانب ایشان ایفا نمایند.

«... همین روزا آقای وزیر مسکن اومده بود دانشکده. گفت شما باید بگید که به صورت عملیاتی چه

تصمیمی گرفتید. تصمیم‌سازی تون کجاست؟ ایشون می‌گه تصمیم‌سازی را باید دانشگاه بکنه! اصلاً نفهمید که

تصمیم‌سازی را که نمی‌تونه دانشگاه بکنه. شما [یعنی وزارت مسکن] باید به دانشگاه سفارش بدی که این تصمیم

رو بساز و بده به من. تازه دانشگاه بشینه تصمیم‌سازی بکنه برای چی؟ برای کی؟ اصلاً مشتری دارد؟ [این حرف

که] تصمیم‌سازی را دانشگاه بکند حرف نادرستی است. دانشگاه به‌عنوان کسی که می‌تونه کار بکنه باید کارفرما

داشته باشه. شما همین‌جوری میگی تصمیم‌سازی بکنید؟! مگه در کارهایی مثل موشک‌سازی همین کار رو

نمی‌کنید؟ شما می‌گوئید ما می‌خواهیم یک موشک بسازیم شما لطفاً آن را برنامه‌ریزی کنید و ما پولش را هم

می‌دهیم. شما طرح‌شو بریزید، تحقیق‌شو بکنید، پابلوت آن را انجام بدید و غیره. [بنابراین] تصمیم‌سازی را

دانشگاه نمی‌تونه بکنه. شما مرکز تصمیم‌سازی دارید در وزارت‌خونه؟ نه! معلومه که ندارید. اطلاق فکری که بنشیند

فکر کند و تصمیم را بسازه و بدهد دست وزیر. نه اینکه وزیر بیاد و سخنرانی فلسفی بکنه.» (P22)

### ۳-۱-۷-۳ شکاف میان دانشگاه و جامعه

جوابگونبودن به نیاز جامعه: نقش و سهم اندک پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در مرتفع نمودن نیازهای جامعه، با

گسیختگی رابطه میان دستگاه‌های دولتی و عمومی و دانشگاه، مرتبط دانسته شده است.

«... بعد می‌گن چرا دانشگاه کاری نمی‌کنه؟ بابا تو دستشو بستی، دستشو باز کن، بذار تمرین کنه، درست

می‌شه. من رفتم کشور چین، دانشکده‌ای در شهر شانگهای. من رفتم گفتم می‌خوفم اینجا رو ببینم، منو گذاشتن

رئیسشون رو ببینم. رفتیم تو یه سالن ۴۰۰ متری دیدم که همه ساختمان‌های شهر توی اون ماکت شون هست.

بعد پرسیدم از اونا، گفتم اینو بچه‌ها ساختن؟ این ماکتو دانشجوها ساختن؟ تعجب کردند و نفهمیدند. گفتند آه!

اشتباه فهمیدید، ما خودمون اینا رو طراحی کردیم. اصلاً دولت تمام پروژه‌هاشو می‌ده دانشکده طراحی کنه. خوب

شما ببین وقتی که دانشکده با استاداش هر کدامشون یه پروژه طراحی می‌کنه با چند تا از دانشجوهاشون، یه

چیزی مثل دفتر فنی، به ارتباط با مردم فکر می‌کنن و یاد می‌گیرن.» (P22)

### ۳-۱-۸ فقدان تصویر بزرگ‌تر

ضرورت وجودی یک «تصویر بزرگ‌تر» از حوزه‌های مطالعاتی برای پایان‌نامه‌ها و فقدان آن در شرایط کنونی، یکی دیگر

از مقولات مستخرج از داده‌های پژوهش حاضر هست. این مقوله مشتمل بر سه زیر-مقوله «رابطه جزء و کل» (شامل تم «نقش

پایان‌نامه در تصویر بزرگ‌تر»)، «همکارانه بودن تولید دانش» (شامل تم «هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها») و «پازل یا موزاییک

پژوهش» (شامل تم‌های «پازل ضمنی» و «پازل صریح») است.

### ۳-۱-۸-۱ رابطه جزء و کل

مشارکت‌کنندگان جهت تنظیم رابطه میان اجزاء یک سیستم پژوهشی ضرورت وجود یک «تصویر بزرگ‌تر» را مورد تأکید

قرار داده‌اند. ایشان از اصطلاحات معادل دیگر، همچون «پازل»، «نقشه»، «تصویر کلکتیو»، «پلاتفرم تحقیقی»، «موزاییک»،

«ماتریس»، «چارچوب کلان»، «نقشه‌ی جامع علمی»، «لگو» و «جغرافیای پژوهشی» برای ارجاع به همین مفهوم استفاده

نموده‌اند. به عبارت دیگر ایشان وجود یک تصویر بزرگ‌تر از کل دوره تحصیلی کارشناسی ارشد را جهت مشخص نمودن نقش و

جایگاه پایان‌نامه مورد تأکید قرار می‌دهند.

«[نقش پایان‌نامه] برمی‌گردد به کل شکل در تصویر بزرگ‌تر که این انسان (دانشجو) داره از یه نقطه‌ای،

نقطه‌ی صفر شروع کرده و به آخر چهار سال رسیده تبدیل شده به یک کارشناسی که می‌آید وارد جامعه می‌شه

و می‌ره به گوشه‌ای از وظایف اجتماعی رو بر عهده می‌گیره.» (P1)



### ۳-۱-۸-۲ همکارانه بودن تولید دانش

گروهی و همکارانه بودن ماهیت تولید دانش در دوران معاصر از جمله عواملی است که وجود یک تصویر بزرگ تر را جهت هماهنگ سازی فعالیت ها، نهادها و موضوعات گوناگون پژوهشی ضرورت می بخشد.

«اساساً ویژگی علم در دوره ما، یعنی در قرن بیستم و بیست و یکم اینه که به امر گروهی و دسته جمعی یا به اصطلاح به امر کلکتیوه. در دوران ما تولید معرفت این نیست که به نفر کار کنه و خودش از صفر تا صد کار رو انجام بده. این جور نیست... دانش طراحی شهری، مثل هر دانش دیگه ای، پیشبردش موکول هست به اینکه تلاش دسته جمعی صورت بگیره. ما به نوعی مجبوریم که در یک جمع، در یک کامیونیتی از افرادی که دارن یک موضوع خاصی رو انجام می دن مشارکت کنیم... در پایان نامه ها بعضی مواقع این پیش میاد که من می خوفم به پازلی رو تکمیل بکنم یعنی فرضاً یک پازلی وجود داره، یک نقشه جامع علمی وجود داره که من می خوفم این کار رو به اصطلاح قطعه قطعه پر بکنم. به دانشجویی این موضوع رو، به دانشجویی اون موضوع رو و به این ترتیب این پر بشه.» (P18)

### ۳-۱-۸-۳ پازل یا موزاییک پژوهش

وجود یا عدم وجود یک «پازل» از موضوعات مناسب برای پایان نامه های دانشگاهی توأمأً به سطح توسعه یافتگی علمی کشور و همچنین تفاوت ماهوی رشته ها نسبت داده شده است. شامل پازل ضمنی و پازل صریح (یا موزاییکی از تحقیقات مورد نظر اساتید مرتبط دانشکده)

«در رشته بازسازی پس از سوانح، این قدر این چاه [کمبود مطالعات بومی] ویل است و ما اساساً موضوعات تعریف شده ی جامع تو سطح کشور نداریم ... البته این چیزی که تو ژاپن اتفاق می افته، تو دانشگاه ها در بعضی از رشته های علوم پایه تو علوم کاربردی شدنیه... که شما تشریف ببرید پیش آقای پرفسور فلان و ایشون به آزمایشگاه داره. این به موضوعی است که احیاناً ۵ ساله، ۱۰ ساله داره تو این زمینه کار می کنه و زمینه اش تبدیل شده به به سری موضوعات فرعی، مثلاً ۵۰ تا سوژه. بعد به دانشجو که از اینجا میره، از روز اول، بهش می گن شما میای و روی این موضوع به خصوص کار می کنی که نفر قبل و بعدش معلومه و کارهایی هم که ظرف ده سال گذشته و ده سال بعد هم باید بشه معلومه. این هی داره به تیکه ای از این پازل را حل می کنه. ما اصلاً همچین چیزی نداریم تو مملکت مون.» (P10)

### ۳-۱-۹ پارادایم‌های نوظهور معماری و شهرسازی

تأثیر ظهور پارادایم‌های نوین معماری و شهرسازی بر انتخاب موضوع پایان‌نامه از جمله مقولات استخراج‌شده از داده‌های این مطالعه است که مشتمل بر دو زیر-مقوله «کارکرد پارادایم‌ها» (شامل تم «نقش جهت‌دهنده پارادایم‌ها») و «سویه‌های روشن و تاریک پارادایم‌ها» (شامل تم‌های «سویه‌های روشن پارادایم‌ها» و «سویه‌های تاریک پارادایم‌ها») می‌شود.

### ۳-۱-۱۰ گرایش استاد

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، «گرایش استاد» را به‌عنوان مقوله‌ای تأثیرگذار بر انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد ابراز نموده‌اند. مقوله «گرایش استاد» شامل دو زیر-مقوله «گرایش موضوعی استاد» (شامل تم‌های «گرایش موضوعی رزومه» و «گرایش کاربردی یا نظری») و «گرایش عاملیتی استاد» (شامل تم‌های «استاد-محوری»، «دانشجو-محوری» و «همکارانه») است.

### ۳-۱-۱۱ اهلیت دانشجو

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، مقوله «اهلیت دانشجو» که به شایستگی و بایستگی دانشجو جهت انجام یک موضوع مشخص، خواه پژوهشی و خواه طراحی اشاره دارد را به‌عنوان عامل تأثیرگذار در انتخاب موضوع پایان‌نامه معرفی نموده‌اند. مقوله «اهلیت دانشجو» از دو زیر-مقوله «نسبی بودن مناسبت موضوع» (شامل دو تم «موضوع خوب» و «سوابق کاری و حرفه‌ای دانشجو») و «ویژگی‌های دانشجو» (شامل تم‌های «دانشجوی بلندپرواز»، «دانشجوی خالی‌الذهن» و «دانشجوی دست-قوی/کتاب‌خوان») تشکیل می‌شود.

### ۳-۱-۱۲ تعاریف مشارکت‌کنندگان از پایان‌نامه و اهداف آن

در اثر تعامل میان مشارکت‌کنندگان و شرایط موجود دانشکده، یعنی شرایطی که در آن وجود یک تصویر بزرگ‌تر مدون و مورد اجماع از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد غایب است، ایشان خود تعاریف معینی را به‌طور ضمنی و فردی برای پایان‌نامه، مأموریت، اهداف آموزشی و حدود و ثغور آن اتخاذ نموده‌اند. بدین گونه به نظر می‌رسد که تصاویر بزرگ‌تر شخصی - ذوقی متعدد و البته نامکتوب در خصوص پایان‌نامه نزد بسیاری از مشارکت‌کنندگان، جهت معنابخشی به فعالیت‌های آموزشی ایشان شکل یافته است. مقوله «تعاریف مشارکت‌کنندگان از پایان‌نامه و اهداف آن» از زیر-مقولات «مناسبت لفظ پایان‌نامه» (شامل تم‌های «نبود تلقی یکسان از پایان‌نامه» و «برساختی بودن معنای پایان‌نامه»)، «ضعف مهارت تفکر نظام‌مند نزد دانشجویان» (شامل تم‌های «تکیه بر حفظیات» و «نبود تفکر انتقادی»)، «بحران بی‌سوالی یا پایان‌نامه به‌مثابه برانگیختن حساسیت‌ها» (شامل

تم‌های «سؤال نداشتن» و «حساسیت نداشتن»، «پایان نامه به مثابه تقویت قوه هاضمه ذهنی-فکری» (شامل تم‌های «تقویت قدرت چیدمان ذهنی» و «تمرین فکر کردن»)، «پایان نامه به مثابه تمرین یک فرآیند» (شامل تم‌های «اولویت فرایند بر فرآورده» و «دل‌پذیر و عقل‌پذیر بودن فرایند»)، «پایان نامه به مثابه حل مسئله» (شامل تم‌های «طرح مسئله» و «حل سیستماتیک مسئله»)، «پایان نامه به مثابه پیگیری اهداف هیجانی-عاطفی» (شامل تم‌های «علاقه‌داشتن» و «ارزش‌ها و نگرش»)، «تعریف سلبی پایان نامه کارشناسی ارشد» (شامل تم‌های «رساله دکترا نبودن» و «کشف جدید نبودن») و نهایتاً «حدود و ثغور کمی آن» (شامل تم‌های «ظرف ششصد ساعته» و «ظرف چهار ماهه») در تعاریف مشارکت‌کنندگان از پایان نامه و اهداف آن ذکر شده است.

### ۳-۱-۱۳ عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع

در بررسی تجارب مشارکت‌کنندگان مقوله‌ای تحت عنوان «عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان نامه» استخراج گردید. این مقوله شامل بر پنج زیر-مقوله «علاقه استاد»، «موضوعات روز کشور (نیازها)» (شامل تم‌های «جنبه واقعی داشتن موضوع»، «مطالعه موردی» و «امکان پشتیبانی لجستیک»)، «موضوعات روز جهان (روزآمدی)» (شامل تم‌های «روزآمد ولی نه عجیب و غریب»، «قابلیت استخراج مقاله» و «مطالعات میان‌رشته‌ای»)، «اهلیت دانشجوی» (شامل تم‌های «علاقه دانشجوی»، «توان دانشجوی»، «پیشینه تحصیلی دانشجوی» و «برنامه آینده دانشجوی») و «تخصص-گرایی» (شامل «استاد واقعاً متخصص موضوع» و «سه‌میه‌بندی پایان نامه») است.

### ۳-۱-۱۳-۱ علاقه استاد

یکی از شرکت‌کنندگان در مطالعه، فهرست نسبتاً جامعی از عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان نامه ارائه می‌نماید:

«[۱- علاقه استاد]: یکی اینکه من علایق پژوهشی خودم رو اعلام کرده بودم روی وبسایت در دانشگاه؛

... [۲- موضوعات روز کشور]: موضوعات رایج کشور، البته موضوعاتی که دارای معنا و مفهوم تخصصی دقیق از

نظر برنامه‌ریزی شهری باشند؛ ... [۳- موضوعات روز جهان]: مقاله‌های جاری [بین‌المللی]، نه الزاماً داخلی؛ ...

[۴- علاقه دانشجوی؛ ... [۵- تازگی موضوع، [به‌گونه‌ای که] پایان‌نامه‌ها تکراری نشن... همیشه به دانشجوی این

رو می‌گفتم که انتخاب یک موضوع جدید و نه یک موضوع عجیب و غریب! ... [۶- پیشینه تحصیلی دانشجوی؛ ...

[۷- پتانسیل دانشجوی؛ ... [۸- برنامه آینده دانشجوی] اون هم به عاملیه که شما بدونین که این نهایتاً می‌خواد بره

[رشته کارشناسی ارشدش را] ادامه بده یا نمی‌خواد دیگه ادامه بده ... [مثلاً دانشجویهایی داشتیم که] از مهندسی

اومده بودن یا از اقتصاد و ... نتیجه کارشون هم از بسیاری کسایی که پایان‌نامه‌شون هم خیلی عالی و تخصصی

بود بهتر بود؛ اما دوباره به خاطر بازار کار و غیره و ذالک، رفتن دنبال اون رشته لیسانس شون، رفتن بانک، بیمه،

کارهای مهندسی ... و اون کارها رو ادامه دادن.» (P8)

### ۳-۱-۱۳-۲ موضوعات روز کشور (نیازها)

**الف- جنبه واقعی داشتن:** بسیاری از مشارکت کنندگان توجه به نیازهای واقعی جامعه و موضوعات روز کشور را از جمله عوامل مؤثر در انتخاب موضوع پایان نامه اعلام کرده‌اند. توصیه به دانشجویان جهت انتخاب «سوژه‌های واقعی» و حذر دادن آن‌ها از «شلنگ‌تخته انداختن» و اینکه «پایشان باید روی زمین باشد» و ... از جمله عباراتی است که شرکت کنندگان در این مورد استفاده نموده‌اند. به منظور نیاز محور کردن موضوع پایان نامه، برخی از مشارکت کنندگان ارتباط برقرار کردن با نهادها و سازمان‌های مختلف جهت شناسایی نیاز آن‌ها و تعریف آن در قالب موضوع پایان نامه را تجربه نموده‌اند:

«... به دانشجویها من میگم که برید دنبال موضوع‌هایی که نهادها تعریف کرده‌اند. سازمان‌ها تعریف می‌کنند، یعنی موضوعاتی که مورد علاقه یک سازمان یا نهاد را انتخاب کنید. خب کم هم نیستن نهادها و سازمان‌هایی که تو زمینه‌ای که ما هستیم کار می‌کنن، مثلاً پتروشیمی، نیروگاه، وزارت نیرو، مسکن و شهرسازی، آموزش و پرورش مثلاً تو حوزه نوسازی مدارس، من خودم دانشجویهای زیادی داشتم که طبق قرارداد با این نهادها موضوعی که اونا مدنظرشون بوده رو در قالب پایان نامه اومدیم اینجا مصوب کردیم اونا تأیید کردن و دانشجو رفته کارش رو انجام داده. پس دغدغه یه سازمان رو تبدیل کرده به موضوع یه پایان نامه، فکر می‌کنم سیاست دانشگاه هم تو اون جهت داره میره.» (P7)

اگرچه عامل واقعی بودن موضوع پایان نامه مورد تأیید بسیاری از مشارکت کنندگان بوده، لیکن مخالفین خاص خود را نیز دارد. مثلاً دشواری در هماهنگ نمودن نیازهای نهادهای سفارش دهنده کار و مقتضیات پژوهش‌های علمی-دانشگاه.

**ب- مطالعه موردی:** در راستای افزایش واقع‌گرایی پایان‌نامه‌ها برخی از شرکت کنندگان، انجام یک «مطالعه موردی» پیرامون موضوع را ضروری اعلان کرده‌اند:

«موضوعات [پایان‌نامه‌ها] هم بعد نظری داشته باشه، هم بعد عملی داشته باشه. کاربردی باشه. بالاخره بتونه آموزش رو در خدمت نیازهای اصلی جامعه بذاره... مثلاً مطالعه موردی (Case) داشته باشن. چون فکر می‌کنم توی مطالعه موردی، بچه‌ها بتونن هم مبانی نظری رو کار بکنن، هم بتونن یه مقدار با واقعیت جامعه و محیط و کار بیشتر آشنا بشن.» (P11)

**ج-امکان پشتیبانی لجستیک:** یکی از عوامل پراهمیت در انتخاب موضوع، به‌ویژه در مورد پایان‌نامه‌های متکی بر مطالعات میدانی و موردی، امکان پشتیبانی لجستیک از مطالعه مزبور اعلام گردیده است.

«... تلاش می‌کنیم که سوژه‌های بومی به دانشجویان بدیم... بچه‌ها از شهرستان‌ها، از راه‌های دور و نزدیک اومدن، وقتی می‌رن حوزه و منطقه خودشون، یه موضوعی رو انتخاب می‌کنن، اولاً یه انگیزه پیدا می‌کنن نسبت به موضوع، [ثانیاً] یه‌جور پشتیبانی محلی معمولاً پیدا می‌کنن... [ثالثاً] در درازمدت یه سری تولید اطلاعات از نقاط مختلف کشور خواهد بود... الان نزدیک ۸۰۰ تا کار در مونوگرافی داریم، پس خیلی جاهای ایران کار کردیم، ولی من توی سیستان بلوچستان هیچ‌وقت نتونستم کارکنم. چون اصلاً نمی‌تونم دانشجو رو مثلاً سه روز تو اتوبوس بردارم، ببرم اونجا و بعد ندونه چی بخوره و چی کار بکنه، کجا بخوابه، غیره و غیره، بلیط هواپیما، اطلاعات بعضاً محرمانه... بنابراین، امکانات لجستیک این شکلی، به این هم باید توجه کرد.» (P10)

### ۳-۱-۱۳-۳ موضوعات روز جهان (روزآمدی)

زیر-مقاله «موضوعات روز جهان (روزآمدی)» دربرگیرنده سه تم می‌شود: «روزآمد ولی نه عجیب‌وغریب»، «قابلیت استخراج مقاله از پایان‌نامه» و نهایتاً «مطالعات میان‌رشته‌ای».

### ۳-۱-۱۳-۴ اهلیت دانشجو

یکی از زیر-مقاله‌های مهم در عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان‌نامه، «اهلیت دانشجو» اعلام شده است که مجموعاً شامل تم‌های «علاقه دانشجو»، «توان دانشجو»، «پیشینه تحصیلی دانشجو» و «برنامه‌ی آینده دانشجو» می‌گردد.

### ۳-۱-۱۳-۵ تخصص‌گرایی

«تخصص‌گرایی» یکی از زیر-مقولات مهم و بحث‌انگیز در عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد بوده است و شامل تم «استاد واقعاً متخصص» در زمینه موضوع مورد نظر و تم بحث‌انگیز «سه‌میه‌بندی پایان‌نامه‌ها» است.

### ۳-۱-۱۴-۳ تنوع و تطوّر پایان‌نامه‌ها

این مقوله شامل دو زیر-مقاله «تنوع پایان‌نامه‌ها» (شامل تم‌های «پایان‌نامه‌های طراحی‌محور-پژوهش‌محور»، «پایان‌نامه‌های توصیفی-تجویزی» و «پایان‌نامه‌های پژوهشی اثرمحور-متن‌محور») و زیر-مقاله «تطوّر پایان‌نامه‌ها» (شامل تم‌های «یادگیری سازمانی و تأملی»، «سیر حرکت از ساده به پیچیده» و «مرحله‌بندی سیر تطوّر») است.

### ۱۵-۱-۳ فرآیند و فنون انتخاب موضوع

«فرآیند و فنون انتخاب موضوع پایان نامه» از جمله مقوله‌های به دست آمده از بررسی‌ها است که شامل چهار زیر-مقوله است: ۱. «فرآیند تعامل با دانشجو» (شامل تم‌های «گفتگوهای آغازین»، «مرحله بندی کار»، «محوریت کار»، «رویکردها»، و «ارتباطات در فضای مجازی»)، ۲. «تدوین پروپوزال» (شامل تم‌های «اهمیت پروپوزال»، «انواع پروپوزال»، «تمهیدات برای تدوین پروپوزال» و «نقد پروپوزال»)، ۳. «نظام‌مندی‌سازی به وسیله شیوه‌نامه» (شامل تم‌های «شیوه‌نامه» و «نقد شیوه‌نامه»)، و ۴. «کاربرد فنون تصمیم‌سازی» (شامل تم «تکنیک تحلیل ریخت‌شناختی و درخت تصمیم»).

چگونگی انتخاب موضوع پایان نامه، و به تعبیر دقیق‌تر فرآیند انتخاب موضوع و نظام آن، طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌های متفاوت مشارکت‌کنندگان را به خود اختصاص داده است. تفاوت دیدگاه‌ها نه تنها به تجارب و ترجیحات ویژه مشارکت‌کنندگان، بلکه به تنوع رشته‌ها و به خصوص تنوع در پایان‌نامه‌های تحقیقی و پایان‌نامه‌های طراحی ربط داده شده و به مثابه امری نسبی بیان گردیده است:

«... عرض کنم، باید منظورتون از [روش] نظام‌مند [برای انتخاب موضوع پایان نامه] را تعریف کنید. چون بالاخره ما، مثلاً در رشته معماری می‌گیم من، در معماری مقصد اکثر قریب به اتفاق رساله‌ها طرحه دیگه، یعنی یه چیزی رو طراحی می‌کنه؛ یعنی رساله حول محور طراحی می‌چرخه نه مطالعات و تحقیقات به اصطلاح مکتوب. به این جهت نظام‌مندی در رشته‌ای که بیشتر با مکتوبات سروکار دارد و رساله تحقیقی تهیه می‌کنند، این نظام‌مندی یه معنا داره و در ارتباط با رشته [هایی مثل] معماری که مقصدش طراحی است یه معنای دیگه دارد.»

(P22)

### ۱۶-۱-۳ پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های جزیره‌ای

شماری از مشارکت‌کنندگان مسئله پراکندگی کارکردی و رواج تفکر جزیره‌ای در گروه‌های آموزشی دانشکده را مورد تأکید قرار داده‌اند که تحت عنوان مقوله «پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های جزیره‌ای» طبقه‌بندی شده است. این مقوله خود شامل دو زیر-مقوله: ۱. «جزیره‌ای ماندن گروه‌های آموزشی و دانشگاه» (شامل تم‌های «گروه‌های آموزشی جزیره‌ای» و «دانشگاه جزیره‌ای») و ۲. «عدم انباشت و هم‌افزایی نتایج پایان‌نامه‌ها» (شامل تم‌های «عدم هم‌افزایی»، «تکراری بودن» و «توقف در کلیات و مقدمات») شکل گرفته است.

### ۳-۱-۱۶-۱ جزیره‌های ماندن گروه‌های آموزشی دانشگاه

**الف- گروه‌های آموزشی جزیره‌ای:** عدم ارتباط میان گروه‌های آموزشی که بعضاً حتی در حد عدم اطلاع دانشجویان از وجود چنین گروه‌های آموزشی در دانشکده و ناآشنایی با موضوعات پژوهشی جاری آن‌ها هست، توسط مشارکت‌کنندگان مورد توجه قرار گرفته است. فراهم‌نبودن بستر لازم جهت انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، به واسطه عدم ارتباط نظام‌مند میان گروه‌های آموزشی مورد اشاره قرار گرفته است:

«یکی از زمینه‌هایی که من فکر می‌کنم جای کار داره، مباحث طراحی یا پژوهش بین گروهیه، یعنی الان گروه‌های [آموزشی] ما، موضوعاتشون جزیره‌ایه... مثلاً ما یه دوره کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و ساخت رو داریم، بعد از اون طرف مثلاً، یه گروه شهرسازی داریم. آیا گروه شهرسازی نمی‌خواد مثلاً از منظر مدیریت پروژه‌ای، مباحث طراحی و پژوهشی دور و برش رو ببینه؟ یا برعکس... [تاکنون اگر همکاری هم بوده] بیشتر رفاقتی بوده تا سیستمی. اگر این تبدیل بشه به سیستم و نهادینه بشه خب خیلی بهتره.» (P11)

مع‌هذا، برخی از گروه‌ها تلاش‌هایی برای فائق‌آمدن بر مسئله تفرق کارکردی، البته در سطح ابتکارات فردی و نه به صورت نظام‌مند به عمل آورده‌اند.

جهت غلبه بر پراکندگی فعالیت‌های پژوهشی گروه‌های آموزشی و کاستن از حالت جزیره‌ای آن‌ها، این ایده مطرح شده است که به جای سازمان‌دهی درسی دانشکده بر مبنای رشته-محور و یا مقیاس-محور مناسب است که دانشکده بر مبنای موضوع-محور و در قالب تشکیل یک سری دپارتمان تخصصی موضوعی (انستیتو) تجدید سازمان شود:

«... مگر اینکه ما دانشکده‌مان تبدیل بشه به یک سری دپارتمان تخصصی، مثلاً دپارتمان مسکن...»

به این ترتیب ما یک تکائف تخصصی پیدا می‌کنیم؛ یعنی یه دپارتمان مسکن می‌تونه از مقیاس طراحی شهری تا مقیاس طراحی [ابنیه] را پوشش بده، مطالعاتش هم پوشش بده، برنامه‌ریزیشم پوشش بده و غیره؛ یعنی ما یه دپارتمان مسکن داریم که از صفر تا صد مسکن را پوشش می‌ده، نه این که گروه شهرسازی بگه که من طراحی شهری در مسکن و حوزه واحد همسایگی را من طراحی می‌کنم، شما فقط خونه می‌تونید طراحی کنید و من با

شما کاری ندارم، شما کار خودتون رو بکنید و من هم کار خودم رو.» (P22)

**ب- دانشگاه جزیره‌ای:** پدیده‌ی جزیره‌ای شدن فعالیت‌های پژوهشی، نه تنها در مقیاس گروه‌های آموزشی درون دانشکده بلکه در مقیاس روابط متقابل سه نهاد دانشگاه، دولت و صنعت نیز گزارش شده است. عدم برداشت صحیح نهادهای دولتی از کارکرد دانشگاه، به عنوان یکی از عوامل گسیختگی رابطه میان این دو تلقی شده است.

«همین روزا آقای وزیر مسکن اومه بود دانشکده معماری و شهرسازی و گفت شما باید بگید که به صورت عملیاتی چه تصمیمی گرفتید. تصمیم‌سازی تون کجاست؟ ایشون می‌گه تصمیم‌سازی را باید دانشگاه بکنه! اصلاً نفهمیده که تصمیم‌سازی را که نمی‌تونه دانشگاه بکنه. شما [یعنی دولت] باید به دانشگاه سفارش بدهید که این تصمیم رو بساز و بده به من... دانشگاه به‌عنوان کسی که می‌تونه کار بکنه باید کارفرما داشته باشه. شما همین-جوری میگی تصمیم‌سازی بکنید؟!» (P22)

تأثیر مثبتی که رابطه معنادار و گسترده میان دانشکده معماری و دولت می‌تواند بر جهت‌بخشی به فعالیت‌های آموزشی-پژوهشی دانشکده داشته باشد و نقش مفید آن بر تقویت اندیشه جامعه-محوری و نیاز-محوری میان دانشجویان و اساتید مورد تأکید قرار گرفته است.

### ۳-۱-۱۶-۲ عدم انباشت و هم‌افزایی نتایج

**الف-عدم هم‌افزایی:** ضرورت انباشته‌شدن نتایج پایان‌نامه‌ها و اهمیت هم‌افزایی یافته‌های آن‌ها از جمله تم‌هایی است که مورد تأکید مشارکت‌کنندگان قرار گرفته است. عدم وجود مکانیزمی که قادر به انسجام‌بخشیدن به فعالیت‌های مجزای پژوهشی و نهایتاً منجر به انباشته‌شدن نتایج پایان‌نامه‌ها گردد، توسط مشارکت‌کنندگان به فقدان یک طرح موزاییکی، یک جغرافیای پژوهشی، یک پازل و ... برای سازماندهی پایان‌نامه‌ها مرتبط شده است.

ضرورت وجود چارچوبی جهت هم‌افزایی و ادغام نتایج پایان‌نامه‌ها و همچنین سودمندی ناشی از رفع خلأ مزبور برای حرفه‌های معماری، شهرسازی، ساختمان و ... خاطر نشان شده است.

«...اگر که خروجی این پایان‌نامه‌ها رو یک روزی ما بتوانیم در هم ادغام بکنیم و فواید درحقیقت

جاافتادش رو پر بکنیم، اون مجموعه [ای] می‌شه... که جاش تو جامعه حرفه‌ای ما خیلی خالیه.» (P17)

**ب-تکراری بودن:** یکی از مشکلات تجربه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، تکراری بودن موضوعات پایان‌نامه‌ها است که خود بعضاً به مسئله ثانوی دیگری، یعنی کپی‌برداری از یکدیگر نیز انجامیده است.

«متأسفانه باید بگم که بسیاری از رساله‌هایی که دانشجویان با من گذروندن، به‌نوعی می‌شه گفت شما

یک رجزدن و کپی‌کردن از همدیگه رو توش می‌بینید. موضوع و محلس ممکنه تفاوت بکنه، ولی بسیاریش

تکراریه و نه‌تنها اونجا تکراری است بلکه بسیاری از متونی که اون تو می‌بینید، از ترجمه‌ها و یا به‌اصطلاح

نقل‌قول‌های غیرمستقیم برداشته‌شده.» (P1)



نهایتاً راه فائق آمدن بر مشکل تکراری بودن پایان‌نامه‌ها، تدوین ابزاری نظیر یک ماتریس جهت اطلاع از خلاءهای پژوهشی و انتخاب موضوعات جدید بیان گردیده است:

«... ما موضوعات مومن رو می‌تونیم محدودتر کنیم و مهم اینه که اگر بتونیم توی یه ماتریس، از نظر محیط

کار، داشته باشیم، بعد ببایم اون‌ها رو پر کنیم. مثلاً این [پایان‌نامه‌ها] تکرار نشن چند دفعه و بتونیم این ماتریس

رو تکمیل کنیم.» (P14)

**ج- توقف در کلیات و مقدمات:** از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، عدم انباشت نتایج پایان‌نامه‌ها منجر به عدم عمق یافتن

فعالیت پژوهشی و توقف آن در سطح کلیات و مقدمات شده است. توقف پایان‌نامه‌ها در حد گردآوری و ترجمه مطالب و عدم ورود به مرحله تألیف به‌گونه‌ای که نهایتاً به تولید دانش بومی و قابل نشر در قالب کتاب بیانجامد، مورد اشاره شماری از اساتید بوده است.

«خیلی از پایان‌نامه‌ها، [همین] پایان‌نامه‌های دانشکده ما که [قاعدتاً] جزء بهترین جاهاست دیگه، عملاً

بیشتر گردآوریه.» (P3)

### ۳-۱-۱۷ احساس نیاز به تحول

ارزیابی کلی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از وضعیت انتخاب موضوع برای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد تحت عنوان مقوله «احساس نیاز به تحول» طبقه‌بندی شده است. این مقوله شامل دو زیر-مقوله «آزادی عمل فردی برای اساتید» (شامل تم «شکل‌های جدید از پایان‌نامه») و «احساس نیاز به تحول» (شامل تم‌های «کم‌نیازی» و «پر‌نیازی») می‌شود.

### ۳-۲ چارچوب مفهومی (کدبندی محوری، گزینشی و مدل پارادایمی)

کدبندی آزاد داده‌ها منجر به استخراج هفده مقوله فوق‌الذکر گردید. اینک جهت تدوین چارچوبی منسجم که به‌خوبی قادر به بازنمایی فضای مفهومی تجارب اظهارشده توسط مشارکت‌کنندگان در تحقیق باشد، در دو گام پی‌درپی، نخست از طریق کدبندی محوری، مقوله‌ها برحسب نقش‌شان طبقه‌بندی گردیده و نهایتاً از طریق کدبندی گزینشی، مقوله‌ی محوری تعیین و اقدام به تدوین مدل پارادایمی می‌شود. به نظر می‌رسد از طریق کدبندی محوری مقوله‌های استخراج‌شده را می‌توان، برحسب کارکردشان در تبیین تجربه کلی اساتید دانشکده از فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی، به‌ترتیب زیر به پنج گروه مقولات تعریف‌کننده «شرایط زمینه‌ای»، «شرایط علی»، «شرایط مداخله‌گر»، «تعامل/فرآیندها» و نهایتاً «پیامدها» طبقه‌بندی نمود (جدول ۲ و تصویر ۱):

جدول شماره ۲: مقوله محوری، مقولات، زیر مقولات و تم‌های پژوهش

مقوله محوری	مقولات اصلی	زیر-مقولات	تم‌ها
شرایط زمینه‌ای	۱- تنوع در دانشکده	تنوع رشته‌های دانشکده	تفاوت در علوم پایه رشته‌ها طراحی-محوری و پژوهش-محوری
	۲- برنامه‌ریزی آموزشی راهبردی	توجه به مفاهیم برنامه‌ریزی راهبردی	تفاوت در توان دانشجویان تغییر در پایه تحصیل دانشجویان ورودی در طی زمان سم‌زدایی از آموزش‌های قبلی
	۳- بی‌ثباتی	کوتاه‌شدن طول دوره‌های آموزشی تغییرات مدیریتی	کوتاه‌شدن زمان دوره‌های آموزش کم‌شدن تعداد واحدهای درسی تغییرات مدیریتی دانشگاهی
	۴- ظرفیت پشتیبانی	پشتیبانی اطلاعاتی پشتیبانی کارهای میدانی	کتابخانه فضای مجازی مسافرت و اسکان
	۵- برنامه درسی پنهان	جو کلی دانشکده درک و تجربه دانشجو از جو دانشکده	تأثیر غیرمستقیم محیط دانشکده جو آسان‌گیرانه دانشکده حسابگری دانشجو در باب جلسه دفاع پایان‌نامه فهم زیرکانه دانشجو از قدرت خود
شرایط علی	۶- کپی‌برداری از دانشگاه‌های غربی	الگوبرداری غیرانتقادی دوره‌ها و برنامه آموزشی غیر اصیل بودن منابع	کپی‌برداری بودن دوره‌ها واردات الگو از همه‌جا و همه سبک‌ها و نامعلومی اهداف بومی دانش ترجمه‌ای و غیرتألیفی رابطه هویت ملی و منابع
	۷- شکاف میان رشته (دانشگاه) حرفه (صنعت) دولت و جامعه	شکاف میان صنعت و دانشگاه شکاف میان دانشگاه و دولت شکاف میان دانشگاه و جامعه	نبود انجمن‌های حرفه‌ای فقدان اعتبارسنجی دانشگاه توسط حرفه دانش‌محور نبودن تصمیم‌گیری‌های دولت انتظارات ناصواب دولت جوابگو نبودن به نیاز جامعه
		رابطه جزء و کل	نقش پایان‌نامه در تصویر بزرگ‌تر

## ۸- فقدان تصویر بزرگ تر

همکارانه بودن تولید دانش  
پازل یا موزاییک پژوهش  
هماهنگ سازی فعالیت ها  
پازل ضمنی  
پازل صریح

۹- پارادایم های نوظهور  
معماری و شهرسازی

کارکرد پارادایم ها  
سویه های روشن و تاریک  
پارادایم  
نقش جهت دهنده پارادایم ها  
سویه های روشن پارادایم ها  
سویه های تاریک پارادایم ها

## ۱۰- گرایش استاد

گرایش استاد  
گرایش عملیتی استاد  
گرایش موضوعی رزومه  
گرایش کاربردی یا نظری  
استاد-محوری  
دانشجو-محوری  
همکارانه

## ۱۱- اهلیت دانشجوی

نسبی بودن مناسبت موضوع  
ویژگی های دانشجوی  
موضوع خوب  
سوابق کاری و حرفه ای دانشجوی  
دانشجوی بلندپرواز  
دانشجوی خالی الذهن  
دانشجوی دست-قوی/کتاب خوان

۱۲- تعاریف مشارکت کنندگان  
از پایان نامه و اهداف آن

مناسبت لفظ پایان نامه  
ضعف مهارت تفکر نظام مند نزد  
دانشجویان  
بحران بی سوالی یا پایان نامه  
به مثابه برانگیختن حساسیت ها  
پایان نامه به مثابه تقویت قوه  
هاضمه ذهنی-فکری  
پایان نامه به مثابه تمرین یک  
فرآیند  
پایان نامه به مثابه «حل مسئله»  
پایان نامه به مثابه پیگیری  
اهداف هیجانی - عاطفی  
تعریف سلبی پایان نامه  
کارشناسی  
حدود و ثغور پایان نامه (تعریف  
شکلی پایان نامه)  
نبرد تلقی یکسان از پایان نامه  
برساختی بودن معنای پایان نامه  
تکیه بر حفظیات  
نبود تفکر انتقادی  
سؤال نداشتن  
حساسیت نداشتن  
تقویت قدرت چیدمان ذهنی  
تمرین فکر کردن  
اولویت فرایند بر فرآورده  
دل پذیر و عقل پذیر بودن فرایند  
طرح مسئله  
حل سیستماتیک مسئله  
علاقه داشتن  
ارزش ها و نگرش  
رساله دکترا نبودن  
کشف جدید نبودن

علاقه استاد  
موضوعات روز کشور (نیازها)  
علاقه استاد  
جنبه واقعی داشتن موضوع

۱۳- عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع

مطالعه موردی	
امکان پشتیبانی لجستیک	
روزآمد ولی نه عجیب و غریب	
قابلیت استخراج مقاله	موضوعات روز جهان
مطالعات میان رشته‌ای	(روزآمدی)
علاقه دانشجوی	
توان دانشجوی	اهلیت دانشجوی
پیشینه تحصیلی دانشجوی	
برنامه آینده دانشجوی	
استاد واقعاً متخصص موضوع	تخصص‌گرایی
سهمیه‌بندی پایان نامه	

۱۴- تنوع و تطور پایان نامه‌ها

پایان نامه‌های طراحی محور- پژوهش محور	تنوع پایان نامه‌ها
پایان نامه‌های توصیفی- تجویزی	
پایان نامه‌های پژوهشی اثر محور- متن محور	
یادگیری سازمانی و تأملی	تطور پایان نامه‌ها
سیر حرکت از ساده به پیچیده	
مرحله‌بندی سیر تطور	

۱۵- فرآیند و فنون انتخاب موضوع

فرآیند تعامل با دانشجوی	
گفتگوهای آغازین	
مرحله‌بندی کار	
محوریت کار	
رویکردها	
ارتباطات در فضای مجازی	
اهمیت پروپوزال	تدوین پروپوزال
انواع پروپوزال	
تمهیدات برای تدوین پروپوزال	
نقد پروپوزال	
شیوه‌نامه	نظام‌مندی سازی
نقد شیوه‌نامه	به وسیله
تکنیک تحلیل ریخت‌شناختی و درخت تصمیم	کاربرد فنون تصمیم‌سازی
	شیوه‌نامه

۱۶- پژوهش‌ها و پایان نامه‌های جزیره‌ای

جزیره‌ای ماندن گروه‌های آموزشی و دانشگاه	گروه‌های آموزشی جزیره‌ای
عدم انباشت و هم‌افزایی نتایج	دانشگاه جزیره‌ای
پایان نامه‌ها	عدم هم‌افزایی
	تکراری بودن
	توقف در کلیات و مقدمات

۱۷- احساس نیاز به تحول

آزادی عمل فردی برای اساتید	شکل‌های جدید از پایان نامه
احساس نیاز به تحول	کم‌نیازی
	پُر‌نیازی

بر اساس تحلیل کلی مقوله‌های استخراج‌شده و ارتباطات آن‌ها می‌توان مقوله محوری این پژوهش را تحت عنوان «**نبود**

**راهبرد مدون در مورد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی**» تعیین نمود. مطابق با

مدل پارادایمی زیر، مقولات هدفه‌گانه استخراج‌شده قادر هستند که مقوله‌ی محوری پژوهش را تبیین نموده و پیامدهای ناشی از

آن راه، بدان گونه که در تجربه استاتید از فرآیند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها انعکاس یافته است، بازنمایی کند.



تصویر شماره ۱: مدل پارادایمی پژوهش

## ۴ بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه تدوین یک چارچوب مفهومی یا مدل پارادایمی برای تبیین تجربه اساتید دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در مورد انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد از طریق انجام یک پژوهش به روش نظریه زمینه‌ای بوده است. مطالعه حاضر با مشارکت ۲۳ نفر از اساتید، به توصیف و تبیین تجربه‌ی ایشان از فرایند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد در یک مقطع زمانی معین، یعنی در سالهای اواخر دهه ۱۳۹۰ هجری شمسی، در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی پرداخته است. پرسش اصلی پژوهش این بوده است که تجربه اساتید دانشکده معماری و شهرسازی در انتخاب موضوع پایان‌نامه چیست و در قالب چه مدلی قابل بازنمایی است؟ پرسش‌های فرعی پژوهش نیز بر شناسایی «مقوله‌ی محوری» در تجربه اساتید و تعیین شرایط علی، عوامل مداخله‌گر و زمینه‌های به وجود آورنده‌ی مقوله محوری و کنش‌ها و پیامدهای ناشی از مقوله محوری تمرکز داشته است. یافته‌های این پژوهش «فقدان یک راهبرد مشخص و مدون هدایتگر در مورد موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی» را به‌عنوان «مقوله محوری» در تجربه مشارکت‌کنندگان از فرایند انتخاب موضوع برای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشکده نشان می‌دهد.

مدل پارادایمی یا چارچوب مفهومی به‌دست‌آمده از این پژوهش را می‌توان بر اساس «خط داستانی» زیر روایت نمود و از آن طریق روابط میان «مقوله محوری» با «علل»، «زمینه‌ها» و «شرایط مداخله‌گر» و همچنین «کنش‌ها» و «پیامدها» متاثر از مقوله محوری مطالعه‌ی حاضر را تبیین کرد:

دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ای است که از سال تحصیلی ۳۹-۱۳۳۸ با پذیرش دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد معماری آغاز به کار کرده و در یک بازه زمانی ۶۰ ساله با راه‌اندازی طیف بسیار متنوعی از رشته‌های تخصصی علمی-هنری (بازده رشته) در شش گروه و مرکز آموزشی-پژوهشی، با ظرفیت تقریبی سالانه ۲۰۰ دانشجوی کارشناسی ارشد، توسعه و گسترش یافته است. فعالیت گروه‌های آموزشی-پژوهشی و اساتید این دانشکده در راستای هدایت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد موجب شکل‌گیری گرایش‌ها و تلقی‌های گوناگون در مورد مأموریت پایان‌نامه کارشناسی ارشد و چگونگی انتخاب موضوع برای آن گردیده است. در راستای فهم این وضعیت پیچیده، با مشارکت و تعامل ۲۳ نفر از اساتید در این پژوهش معلوم گردیده است که مشارکت‌کنندگان عموماً «فقدان یک راهبرد مشخص و مدون در فرایند انتخاب موضوع پایان‌نامه» را به‌عنوان مقوله محوری و دغدغه اصلی ابراز کرده‌اند و لاجرم، در شرایط وجود چنین خلأیی، خود بر مبنای «نگرش و راهبرد شخصی» خود اقدام نموده‌اند. مقوله محوری پژوهش، یعنی نبود راهبرد مشخص و مدون در سطح دانشکده، ناشی از

«شرایط علی» و «شرایط زمینه‌ای» و «شرایط مداخله‌گر»ی بوده است که به‌نوبه‌ی خود منجر به بروز «واکنش‌ها» و «پیامدها»یی در دانشکده شده و به‌طور اجمالی از قرار زیر است:

«شرایط علی» مؤثر بر شکل‌گیری پدیدهٔ محوری این مطالعه، یعنی «فقدان راهبرد مشخص و مدون»، الگوبرداری‌های شتاب‌زده و غیرانتقادی از برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های خارجی در تأسیس رشته‌های جدید، شکاف بزرگ میان نهادهای دانشگاه، صنعت ( نهادهای صنفی-حرفه‌ای، مهندسان مشاور،...)، دولت (وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت علوم،...) و جامعه بوده است. همچنین، نبود «یک تصویر بزرگتر معنابخش»، که قادر به تعریف مأموریت و تعیین حدود انتظارات از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد (توأم از نظر موضوع، فرایند و محصول آن) در سطح دانشکده و حتی آموزش عالی باشد، از دیگر علل عمده‌ای بوده است که به عدم شکل‌گیری یک راهبرد مشخص و مدون در قالب پایان‌نامه‌ها انجامیده است. «شرایط زمینه‌ای» که شکل‌گیری این پدیده را تسهیل نموده است، شامل گونه‌گونی و تنوع قابل توجه دانشکده (چه به لحاظ طیف بسیار متنوع رشته‌های علمی-هنری برخوردار از دانش‌های پایه‌ای متفاوت و چه به لحاظ پایهٔ تحصیلی دانشجویان ورودی)، نبود ظرفیت مناسب برای برنامه‌ریزی راهبردی آموزشی دانشکده در تأسیس و هدایت رشته‌های جدید و بی‌ثباتی در مدیریت دانشکده و قوانین و مقررات آموزشی گروه‌ها و نهایتاً برنامه درسی پنهان بوده است. در این میان، همچنین «عوامل مداخله‌گر»ی نظیر مطرح‌شدن سبک‌ها و پارادایم‌های نوظهور معماری و شهرسازی، گرایش ذوقی و شخصی اساتید، و اهلیت دانشجویان (یعنی قابلیت کلی دانشجویان پذیرفته‌شده در هر رشته‌ی تحصیلی) نیز در عدم شکل‌گیری یک‌رویه هماهنگ و یکسان در انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پذیرفته‌شده در دانشکده، دخیل بوده است. تحت تأثیر چنین مجموعه شرایطی، مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، پدیدهٔ «نبود یک راهبرد مشخص و مدون در مورد پایان‌نامه‌های دانشکده» را تجربه نموده‌اند. ایشان در «تعامل و واکنش» به مجموعهٔ این شرایط و در غیاب یک «چارچوب معنابخش بزرگتر»، به تلقی‌های گوناگون و عمدتاً ضمنی (غیر مدون) و ذوقی-شخصی خاص خود دست‌یافته‌اند. دامنه‌ی وسیع برداشت‌های متفاوت اساتید مشارکت‌کننده به‌گونه‌ای است که به‌سختی می‌توان صراحتاً تعریف واحدی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حدود انتظارات از آن و اهدافش و عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع مناسب برای آن (نه در سطح گروه‌های آموزشی و نه در سطح رشته‌های ارشد) مشاهده نمود. در تعامل و واکنش با این وضعیت، ابتکارات فردی، نظیر ارائه سمینار یا کلاسی برای پایان‌نامه‌نویسی، راه‌اندازی وب‌سایت شخصی جهت معرفی حوزه‌ها و موضوعات پژوهشی موردعلاقه اساتید و... توسط مشارکت‌کنندگان شکل گرفته است. به‌واسطه نبود یک راهبرد مدون و هدایت‌گر، شاهد تنوع بیش‌ازحد در موضوعات پایان‌نامه‌ها (اعم از پایان‌نامه‌های پژوهش محور یا طراحی محور) هستیم. به‌طور خلاصه، در نتیجه‌ی تعامل اساتید با وضعیت موجود، فرایندهای بسیار متفاوتی برای هدایت پایان‌نامه‌ها و انتخاب موضوع آن‌ها شکل گرفته است که دامنهٔ گسترده

آن شامل تفاوت در نحوه تعامل با دانشجو، نحوه نگارش پروپوزال، تهیه شیوه‌نامه‌های مدون در سطح برخی از گروه‌های آموزشی دانشکده و کاربست یا عدم کاربست فنون شناخته شده علوم تصمیم‌گیری در انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها شده و به تفاوت آشنوایی در فرم و محتوای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشکده دامن زده است. «پیامد» ناشی از کنش و واکنش اساتید به مجموعه‌ی شرایط دانشکده و به‌طور خاص واکنش ایشان به فقدان راهبرد مشخص و مدون در سطح دانشکده معماری و شهرسازی به جزیره‌ای شدن پژوهش‌ها در گروه‌ها و دوره‌های آموزشی، هم‌افزایی و انباشت نتایج پایان‌نامه‌ها، و نتیجتاً عدم رشد علمی دانشکده انجاءیده است. پیامد دیگر این وضعیت شکل‌گیری احساس نیاز به تحول در دانشکده و لزوم بهسازی فرایند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها بوده است که با درجات حساسیت متفاوت (از کم تا زیاد) توسط مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ادراک و گزارش شده است.

یکی از راه‌ها (و نه لزوماً تنها راه) یکپارچه‌سازی تحلیل‌ها و منسجم‌سازی پژوهش‌های نظریه‌زمینه‌ای، تعیین نمودن یک «مفهوم یا فرایند اجتماعی-روانی پایه‌ای» است که قادر به تبیین پدیده یا مقوله محوری مطالعه مزبور باشد (Strauss & Corbin, 1998:311). به نظر می‌رسد که «مفهوم پایه» توضیح دهنده مقوله‌ی محوری این پژوهش و تبیین علت‌گرایش اساتید به اتخاذ راهبردهای شخصی و غیررسمی (در غیاب وجود یک راهبرد مشخص و مدون رسمی برای فرایند انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها در دانشکده) «ضرورت اتکاء کنش‌ها به یک گفتمان یا تصویر بزرگتر جهت معنادار شدن» است. اساساً کنش‌های انسانی، خواه فردی یا جمعی، کنش‌هایی معناجویانه‌اند. ارسطو انسان را حیوانی هدف‌جو تعریف می‌کند که زندگی‌اش تنها زمانی معنا دارد که در جستجو و تلاش برای نیل به هدف خود باشد. معنای کنش‌ها همواره از بستر و تصویر بزرگتری که کنش‌های مزبور در آن چارچوب صورت می‌پذیرند، برمی‌خیزد. از این تصویر بزرگتر می‌توان به‌عنوان عام «گفتمان» و یا با عناوین دیگری نظیر راهبرد، پازل، ماتریس و ... نام برد. این وسیله به مثابه ابزاری رابطه میان جزء و کل (رابطه‌ی میان کنش انسانی و بستر آن) را تنظیم و معنادار می‌نماید. طبق «نظریه گفتمان» «ارنستو لاکالا» و «شاتال موفه» همه کنش‌ها گفتمانی هستند (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، همه کنش‌ها، مانند کنش انتخاب موضوع برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گفتمانی‌اند به دلیل اینکه برای معنادار شدن لازم است بخشی از یک گفتمان خاص باشد. به بیان دیگر، برای معنادار و قابل فهم بودن کنش مزبور، به‌ویژه از منظرگاه فرد کنشگر، همواره لازم است که آن کنش، جزئی از یک چارچوب معنایی گسترده‌تر همچون یک گفتمان، راهبرد، طرح، پازل و یا یک «تصویر بزرگتر» خاص به حساب آید. ضرورت وجودی این تصویر بزرگتر به حدی بوده است که فقدان یک راهبرد مدون، رسمی و صریح در خصوص انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در دانشکده معماری و شهرسازی، به شکل‌گیری راهبردهای شخصی و روش‌های فردی-ذوقی و غالباً ضمنی (غیرصریح) توسط اساتید، برای



معدادار نمودن مجموعه فعالیت‌هایشان منجر شده است. در واقع، اساتید دانشکده در غیاب یک راهبرد رسمی و مدون، عموماً از مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و روش‌های شخصی و غالباً نامکتوب به‌مثابه‌ی راهبرد ضمنی و جایگزین جهت انتخاب موضوع پایان‌نامه و تنظیم روابط با دانشجو و محیط آموزشی استفاده نموده‌اند.

یکی از علت‌های اصلی ابهام و ناهماهنگی در اهداف و جهت‌گیری موضوعی پایان‌نامه‌ها، براساس مدل پارادیمی (چارچوب مفهومی) به‌دست‌آمده در این پژوهش، وجود شکاف قابل توجه میان نهاد «دانشگاه» (پژوهش) با «صنعت» (کارروزی حرفه معماری و شهرسازی)، «دولت» (سیاست‌گذاری) و «جامعه» بوده است. ادبیات موجود، ارتباط موزون میان نهادهای مزبور را به‌عنوان پیش‌شرط ضروری برای نوآوری علمی و فنی در کشورها اعلام می‌نماید. «مدل مارپیچ سه‌گانه»<sup>۱</sup> نوآوری است (Etzkowitz & Leydesdorff, 2000) که روابط متقابل دانشگاه، صنعت و دولت را در اقتصادی کردن دانش ضروری می‌داند. در مدل مزبور، سه قلمرو نهادهای دانشگاه، صنعت و دولت در فرایند نوآوری همپوشانی دارند و نقش‌های آنان با یکدیگر تداخل می‌نماید. برپایه این مدل، دانشگاه از نقش آموزشی-پژوهشی سنتی خود، قدری فاصله گرفته و به کارآفرینی و فعالیت اقتصادی می‌پردازد، صنعت به تولید دانش مشغول می‌شود و دولت نیز در کنار ایفای نقش سنتی خود در سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات بازار، به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دارای ریسک بالا و فاقد اطمینان سودآوری در زمینه تولید دانش، نوآوری و خدمات می‌پردازد. تنظیم روابط موزون میان فرایندهای فعالیت‌های دانشگاه، صنعت و دولت که به تنظیم روابط میان سه اسپیرال یا مارپیچ تشبیه شده است، باعث می‌گردد که به‌صورت ارگانیک (و نه به شکل دستوری)، موضوعات موردنیاز و شایسته جهت پژوهش‌ها و تهیه پایان‌نامه‌ها مشخص گردد. مطالعات به‌عمل‌آمده در مورد ایران نشان می‌دهد که هرچند تولیدات علمی ایرانیان در سال‌های اخیر روند صعودی داشته است، لیکن در این میان، میزان تعامل دوگانه دانشگاه و دولت بیشترین مقدار و تعامل دوگانه دانشگاه و صنعت کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. همچنین، ناچیز بودن میزان تعامل سه‌گانه میان دانشگاه، صنعت و دولت طی سه دهه گذشته، از موانع مهم برسر شکوفایی صنعت و فناوری کشور بوده است (جوکار و مروتی، ۱۳۹۵).

یکی از شرایط زمینه‌ای مهم دانشکده معماری و شهرسازی، که اتخاذ یک راهبرد واحد در مورد انتخاب موضوع و هدایت پایان‌نامه کارشناسی ارشد را با چالش روبرو می‌کند، تنوع و تفاوت گسترده «فرهنگ رشته‌ای» دوره‌های درسی ارائه‌شده در آن

<sup>۱</sup> Triple Helix Model

است. ادبیات تخصصی موجود در زمینه دستهبندی رشته‌های علمی، بر وجود تفاوت معنادار میان فرهنگ رشته‌های مختلف دانشگاهی دلالت دارد. «فرهنگ رشته‌ای» نظامی از ارزش‌ها، باورها و هنجارهاست که هریک از رشته‌های دانشگاهی متناسب با اهداف، روش‌ها، اصول و کاربردهایشان دارند (Becher, 1987). در دانشکده معماری و شهرسازی فرهنگ رشته‌ای واحد و ظاهراً متجانس وجود ندارد. مطالعات موجود نشان می‌دهد که منشأ بسیاری از رفتارهای دانشگاهی اعضای هیأت علمی از قبیل ارتباط اجتماعی با رشته، میزان تعهد به تدریس، پژوهش و خدمات، شیوه تدریس و انتظارات از دانشجویان، تعداد پایان‌نامه‌های راهنمایی‌شده و فرایند تعامل با دانشجویان، ناشی از تفاوت‌های رشته‌ای و فرهنگ متناظرشان است (Jones, 2011; خاکباز، ۱۳۹۳). مدل‌های متعددی برای دستهبندی رشته‌های دانشگاهی و ویژگی‌های آنها وجود دارد که مدل اسمارت و همکاران (۲۰۰۰) و مدل بیگلن (۱۹۷۳) از رایج‌ترین آنها است (Biglan, 1973; Smart et al., 2000) براساس هر دو مدل شاهد هستیم که در دانشکده معماری و شهرسازی با میزان بالایی از تنوع و تفاوت رشته‌های دانشگاهی مواجه هستیم. اسمارت و همکاران (۲۰۰۰) بر اساس «نظریه انتخاب شغلی» هولاند (۱۹۹۷) چارچوبی برای دستهبندی‌های دانشگاهی ارائه کرده‌اند که شامل چهار دسته است (Holland, 1997): رشته‌های تحقیقاتی<sup>۱</sup> (مثل مهندسی، زیست‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد، جغرافیا، جامعه‌شناسی و ...)، رشته‌های هنری<sup>۲</sup> (مثل معماری و طراحی محیط، هنرهای زیبا، زبان‌های خارجی و ...)، رشته‌های اجتماعی<sup>۳</sup> (مثل علوم انسانی شامل تاریخ، فلسفه، کتابداری، روانشناسی، علوم اجتماعی و ...)، و رشته‌های بنگاه دارانه<sup>۴</sup> (مثل مدیریت، بازرگانی، روابط عمومی، ارتباطات، مهندسی صنایع و ...). بر پایه چارچوب پیشنهادی اسمارت و همکاران در دانشکده معماری و شهرسازی می‌توان رشته‌های فن‌آوری معماری و انرژی معماری را در دسته رشته‌های «تحقیقاتی»، رشته‌های معماری، طراحی شهری و معماری منظر را در رشته‌های «هنری»، رشته مطالعات معماری را در دسته رشته‌های «اجتماعی» و رشته مدیریت پروژه را در دسته رشته‌های «بنگاه دارانه» طبقه‌بندی نمود.

<sup>۱</sup> Investigative

<sup>۲</sup> Artistic

<sup>۳</sup> Social

<sup>۴</sup> Enterprising

همچنین بیگلن (۱۹۷۳) یک مدل سه‌بعدی برای دسته‌بندی رشته‌های دانشگاهی ارائه داده که متشکل از: ۱-درجه پارادایمی بودن (نرم/سخت) ۲-درجه کاربردی بودن (کاربردی/محض) و ۳-درجه ارتباط با موجودات زنده (مربوط به موجود زنده/غیرمرتبط با موجود زنده) است. به اعتقاد بیگلن ترکیب این سه بعد منشاء بسیاری از رفتارهای دانشگاهی است. براساس مدل مزبور، رشته‌های سخت، درجه همگرایی پارادایمی بالایی داشته و در مورد روش‌های آنها توافق بیشتری وجود دارد. طبق این مدل، رشته‌های معماری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری، معماری منظر و مطالعات معماری در دسته رشته‌های نرم و رشته فن‌آوری معماری، انرژی و معماری و مدیریت پروژه و ساخت در دسته رشته‌های سخت قرار می‌گیرند. رشته‌های کاربردی نظیر معماری، طراحی شهری، مدیریت پروژه و ساخت و ... عمدتاً دغدغه «کاربرد» داشته و رشته‌هایی همچون مطالعات معماری که عمدتاً دغدغه پژوهش دارد به دسته رشته‌های «محض» نزدیک‌ترند. در مورد بعد سوم دسته‌بندی بیگلن نیز باید گفت اگرچه موضوع موردتوجه کلیه رشته‌های دانشکده معماری و شهرسازی، محیط مصنوع بوده و قاعدتاً از رشته‌های مرتبط با موجودات زنده (نظیر انسان‌شناسی و ...) محسوب نمی‌شود، لیکن رشته‌های مزبور از حیث ارتباط با سیستم‌های زنده نیز یکسان نیستند و به‌طور مثال رشته معماری منظر در مقایسه با رشته مرمت ابنیه، با توجه به مطالعات اکولوژیک، نزدیکی بیشتری با موجودات زنده داشته و قاعدتاً فرهنگ رشته‌ای خاص خود را بازتولید می‌کند.

همان‌گونه که عنوان گردید، دانشکده معماری و شهرسازی مجموعه متنوع و به‌ظاهر نامتجانسی از فرهنگ‌های رشته‌ای را در خود جای‌داده است که همزمان یک فرصت بالقوه برای فعالیت‌های میان‌رشته‌ای می‌تواند فراهم آورد، و از سوی دیگر می‌تواند به‌مثابه چالشی بالقوه برای اتخاذ شیوه‌های واجد و هماهنگ در زمینه برنامه‌ریزی درسی و به‌طور خاص در حوزه هدایت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد تلقی گردد. تبدیل این ویژگی بالقوه به یک فرصت و یا تهدید (چالش) بالفعل، وابستگی کامل به نگاه و رویکرد راهبردی دانشگاه و دانشکده دارد.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در تعامل میان اساتید مشارکت‌کننده و شرایط موجود، ایشان خواه به شکل صریح و یا ضمنی، تعاریف متفاوتی برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد و اهداف آن قائل گردیده و اساس کار خود قرار داده‌اند. بررسی تفاوت دیدگاه مشارکت‌کنندگان در خصوص تعریف پایان‌نامه و اهداف آن نشان می‌دهد که ایشان در خصوص «مناسبت عنوان و لفظ پایان‌نامه»، و تعریف و مأموریت و همچنین در مورد حدود کمی و کیفی آن متفاوت اندیشیده‌اند.

ایشان عموماً بر بحران بی‌سوالی و ضعف مهارت تفکر انتقادی و نظام‌مند نزد دانشجویان تأکید داشته و عموماً مأموریت پایان‌نامه را تقویت قوه‌هاضمه ذهنی-فکری دانسته‌اند. درحالی‌که بخشی از مشارکت‌کنندگان پایان‌نامه را فرصتی برای تمرین

فرآیند فکر کردن و حل مسئله دانسته‌اند. بخش دیگری بر فرآورده کار و مفیدبودن آن برای یک کارفرما و بهره‌برداری مشخص تأکید داشته‌اند.

مأموریت دیگری که بعضاً برای پایان‌نامه قائل گردیده‌اند، پیگیری اهداف هیجانی-عاطفی و علایق دانشجوی بوده است. به‌طور کلی تعریف رسمی وزارت علوم از دوره کارشناسی ارشد و به دنبال آن از پایان‌نامه کارشناسی ارشد عمدتاً معطوف به برطرف کردن نیازهای اداری و صوری بوده و ابزاری برای کنترل کیفیت آن به دست نمی‌دهد. تعریف وزارت علوم از دوره کارشناسی ارشد عبارت است از یک دوره تحصیلی که پس از دوره کارشناسی آغاز می‌شود و حداقل شامل ۲۸ تا ۳۲ واحد درسی است. این دوره به دو شیوه آموزشی-پژوهشی و شیوه آموزشی تعریف شده است که تفاوت‌های این دو در گذراندن پایان‌نامه است که در شیوه آموزشی-پژوهشی قرار داده شده است (وزارت علوم، ۱۳۹۳). هدف از دوره کارشناسی ارشد، گسترش دانش و تربیت متخصصان و پژوهشگرانی است که با فراگیری آموزش‌های لازم و آشنایی با روش‌های پژوهش علمی، مهارت لازم را برای آموزش، پژوهش و خدمات پیدا می‌کنند (وزارت علوم، ۱۳۷۳). تهیه پایان‌نامه آخرین بخش در کارشناسی ارشد است که طی آن دانشجوی موظف است در یک زمینه رشته تحصیلی خود، زیر نظر استاد راهنما به تحقیق وسیع بپردازد (وزارت علوم، ۱۳۷۳).

بررسی منابع آموزش عالی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که کشورهای مزبور ضمن پذیرفتن تنوع در کارکرد دوره‌های کارشناسی ارشد و پایان‌نامه آن، رهنمودها و معیارهای محتوایی تری جهت کنترل کیفیت آن تدوین کرده‌اند. به‌طور مثال در بریتانیا، «سازمان کنترل کیفیت آموزش عالی» بریتانیا<sup>۱</sup> به‌عنوان یک نهاد مستقل، استانداردها و کیفیت آموزش عالی را در این کشور مورد پایش قرار داده و در این زمینه به دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی مشاوره می‌دهد. نهاد مزبور، سندی تحت عنوان «آیین‌نامه کیفیت آموزش عالی بریتانیا» دارد که بخشی از آن گزارش «خصوصیات درجه کارشناسی ارشد» است. در گزارش مزبور ضمن اشاره به طیف وسیعی از الگوهای دوره کارشناسی ارشد که در بریتانیا ارائه می‌گردد (QAA, 2015)، آن‌ها را برحسب اهدافشان به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از:

---

<sup>۱</sup> QAA (the Quality Assurance Agency for Higher Education)

۱- دوره‌های «پژوهش محور» نظیر فلسفه و ادبیات که اهداف و مأموریت آن‌ها آماده‌سازی دانشجو برای ادامه تحصیل و یا فعالیت در یک شغل است.

۲- دوره‌های «تخصص محور» نظیر رشته‌های علوم و هنر که هدفشان آمیزه‌ای از پژوهش آکادمیک و فعالیت حرفه‌ای است.

۳- دوره‌های «حرفه محور» نظیر مدیریت و کسب‌وکار که هدفشان تربیت دانشجو جهت ورود به حرفه است. تهیه پایان‌نامه برای همه این دوره‌های کارشناسی ارشد الزامی نیست و انعطاف به چشم می‌خورد (QAA, 2014). متأسفانه غیبت چنین نهادها و آئین‌نامه‌هایی که راهنمایی و محتوایی و درعین‌حال انعطاف‌پذیر، در خصوص مأموریت دوره‌های کارشناسی ارشد داده و به تعریف کیفی پایان‌نامه این دوره در ایران کمک نماید، یکی از کاستی‌های جدی است. دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی با تدوین راهنماهای متعدد و سند راهبردی آموزشی، چراغ راه لازم برای فعالیت‌ها و از جمله برای انجام پایان‌نامه را در اختیار قرار می‌دهند. به‌طور مثال دانشگاه ام‌آی‌تی، در کتابخانه‌اش راهنمای دانشجویان پیش‌بینی کرده (MIT Libraries, n.d) و دانشگاه سیدنی نیز موضوعات، حدود و فرآیند انجام پایان‌نامه را به ایشان آموزش می‌دهد (University of Sydney Library, n.d). دانشگاه هاروارد با ارائه «دفترچه راهنمای تدوین پایان‌نامه» راه دانشجویان را هموار نموده (Harvard Univ., 2018) و دانشکده برنامه‌ریزی دانشگاه «برینیش کلمبیا»<sup>۱</sup> با تدوین سند چشم‌انداز، راستاهای لازم جهت هدایت کیفی سیاست‌گذاران و دانشجویان را فراهم می‌کند (SCARP, n.d).

در تعریف پایان‌نامه کارشناسی ارشد علاوه بر ذکر ویژگی‌های کیفی پایان‌نامه، ویژگی‌های کمی و صوری آن نیز مدنظر قرار گرفته است. کتاب «راهنمای تدوین پایان‌نامه برای دانشجویان معماری» ضمن اشاره‌ای مختصر به چگونگی انتخاب موضوع پایان‌نامه و منابع قابل مراجعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد را به‌عنوان گزارشی که معمولاً پنج هزار کلمه بوده و ظرف ۹ ماه یا یک سال تحصیلی تهیه می‌گردد، توصیف می‌کند (Borden & Ray, 2014). منابع دیگر نظیر کتاب مفید «انجام پایان‌نامه کارشناسی ارشد» نیز آن را گزارشی ۱۰۰۰۰ الی ۱۵۰۰۰ کلمه‌ای توصیف می‌کنند که تهیه‌اش حداقل ۶۰۰ ساعت زمان لازم دارد (Hart, 2005, 20). برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، پایان‌نامه را یک فعالیت شش‌ساعتی معرفی نموده که

<sup>1</sup> SCARP :school of community and regional planning, University of British Columbia

با نرم‌های جهانی منطبق است و برخی دیگر آن را با توجه به کاهش دوره‌های تحصیلی در سال‌های اخیر به‌عنوان یک «فعالیت چهارماهه» تقلیل داده و تعریف نموده‌اند که با برخی از نرم‌های جهانی (۹ ماه یا یک سال تحصیلی) فاصله دارد.

در تعامل میان اساتید مشارکت‌کننده در این پژوهش و مجموعه شرایط موجود، ایشان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان‌نامه را مشتمل بر علاقه استاد، موضوعات روز کشور و واقع‌گرایی (نظیر امکان پشتیبانی لجستیک)، موضوعات روز جهانی (نظیر روزآمدی و قابلیت استخراج مقاله)، اهلیت دانشجو (شامل علاقه، توان، پیشینه و برنامه آینده شغلی دانشجو) و تخصص‌گرایی (نظیر وجود استاد متخصص و مسلط در زمینه موضوع) تجربه و گزارش نموده‌اند. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر، یافته‌های پژوهش‌های پیشین بین‌المللی و داخلی در زمینه عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان‌نامه را تأیید می‌نماید. به‌طور مثال، تحقیق «فخار و همکاران» (۲۰۱۵) نقش علاقه و گرایش استاد در انتخاب موضوع پایان‌نامه را نشان داده و آن را موجب همکاری و کمک بیشتر اساتید در تکمیل پایان‌نامه دانسته است (Fakhar et al., 2015). همچنین برخی از مطالعات در زمینه رشته معماری نیز بر نقش سلیقه و گرایش استاد راهنما در انتخاب موضوع پایان‌نامه دلالت داشته است (Hesanmi, 2016). واقع‌گرایی و قابل انجام بودن پژوهش از دیگر یافته‌های این مطالعه بوده است که بخشی از آن را امکان پشتیبانی لجستیک از پژوهش تشکیل می‌دهد. مطالعات پیشین نیز، نظیر مطالعه «یساک و همکاران» (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که دانشجویان رشته‌های مهندسی و علوم زیستی در انتخاب موضوع پایان‌نامه به فراهم بودن امکانات لجستیک و تجهیزات و بودجه مالی توجه ویژه‌ای داشته‌اند، همچنین مطالعه «نیک سیرت و همکاران» (۱۳۹۱) نیز سهولت دسترسی به منابع و ارتباط با سازمان‌ها و نهادها را در انتخاب موضوع پایان‌نامه دانشجویان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی مؤثر یافته است (نیک سیرت و همکاران، ۱۳۹۱). توجه به موضوعات روز جهانی (روزآمدی موضوع) و قابلیت استخراج مقاله از پایان‌نامه از جمله عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان‌نامه بوده است که این یافته‌ها نیز یافته‌های تحقیقات پیشین را تأیید می‌نماید. «درودی و همکاران» (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مهم‌ترین معیار برای انتخاب موضوع پایان‌نامه را تازگی موضوع دانسته‌اند. همچنین درحالی‌که دانشجویان برخی رشته‌ها نظیر رشته پزشکی سهولت انجام کار را مبنای انتخاب موضوع قرار می‌دهند، «توکلی و ذوالفقاری» (۱۳۹۲) معتقدند که دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در انتخاب موضوع پایان‌نامه بیشتر به دنبال تازگی موضوع و انتخاب موضوعات خاص هستند (توکلی و ذوالفقاری، ۱۳۹۲). در خصوص اهمیت قابلیت استخراج مقاله از پایان‌نامه نیز تحقیق «یساک و همکاران» (۱۹۸۹) قابلیت و احتمال انتشار تحقیقات را بر انتخاب موضوع رساله‌های دکتری مؤثر دانسته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اساتید راهنما «اهلیت دانشجو» (یعنی علاقه، توان، پیشینه تحصیلی و برنامه آینده شغلی دانشجو) را از عوامل پراهمیت در انتخاب موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانسته‌اند. این یافته، یافته‌های تحقیقات پیشین را تأیید

می‌نماید، به‌طور مثال «نیک سیرت و همکاران» (۱۳۹۱) علاقه شخصی دانشجویان نظیر علاقه به محل تولد و تعلق مکانی را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل بیرون از دانشکده در انتخاب موضوع پایان‌نامه رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی می‌شمارند. مطالعه «ایساک و همکاران» (۱۹۸۹) نیز نشان می‌دهد دانشجویان هنر و علوم انسانی در انتخاب موضوع پایان‌نامه، علایق شخصی و ترجیحات شخصی را اصل قرار داده‌اند. اهلیت دانشجویان همچنین شامل توان او نیز می‌گردد. «توکلی و ذوالفقاری» (۱۳۹۲) به ایده آل‌گرایی در دانشجویان و عدم تناسب موضوع با توان دانشجویان به‌عنوان یکی از مشکلات در انجام پایان‌نامه اشاره کرده‌اند. درحالی‌که در برخی رشته‌ها مثل جامعه‌شناسی، ایده آل‌گرایی در انتخاب موضوع یکی از مشکلات بوده است، در رشته‌هایی نظیر پزشکی، ساده‌بودن و زمان‌بر نبودن موضوع مطرح بوده است (درخشان فر و همکاران، ۱۳۹۱). مطالعات متفاوتی ترجیحات شخصی و تجربیات زندگی دانشجویان را در انتخاب موضوع پایان‌نامه دخیل دانسته‌اند (Barr, 1984; Isaac et al., 1989; SESSIONS, 1972; Xia, 2013). نقش برنامه آینده شغلی دانشجویان در انتخاب موضوع نیز مورد اشاره تحقیقات پیشین بوده است. «ژیا» (۲۰۱۳) به اهمیت نقش پایان‌نامه در فراهم‌ساختن فرصت اشتغال در برنامه آینده دانشجویان اشاره دارد و «ایساک و همکاران» (۱۹۸۹) ملاحظات مرتبط با آینده شغلی دانشجویان را بر انتخاب موضوع رساله‌های دکتری مؤثر یافته‌اند.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که مشارکت کنندگان اهمیت ویژه‌ای برای تخصص‌گرایی و هماهنگی تخصص استاد راهنما و موضوع پایان‌نامه قائل بوده‌اند. مطالعه «دررودی و همکاران» (۱۳۹۷) نیز نشان داده است که معیار تسلط استاد راهنما به موضوع در انتخاب موضوع از اولویت بالایی برخوردار بوده و قادر است به مشارکت بیشتر استاد در فرایند تهیه پایان‌نامه بیانجامد (دررودی و همکاران، ۱۳۹۷).

امر سه‌میه‌بندی پایان‌نامه‌ها که در حال حاضر در برخی از گروه‌های آموزشی دانشکده معماری و شهرسازی و با ملاحظه توزیع عادلانه پایان‌نامه‌ها بین اعضای هیئت‌علمی صورت می‌گیرد، می‌تواند در تقابل با امر تخصص‌گرایی و عدم واگذاری پایان‌نامه‌ها به اساتید واقعاً متخصص در موضوع پایان‌نامه بیانجامد. از این‌رو، در صورت اصرار بر تعیین سه‌میه برای ارجاع پایان‌نامه به اساتید لازم است راهکاری جهت هماهنگ‌سازی اهلیت دانشجویان، اهلیت استاد و دیگر عواملی که در این تحقیق به آنها اشاره رفته است، اندیشیده شود.

پیامد ناشی از تعامل اساتید راهنمای پایان‌نامه‌ها با مجموعه شرایط موجود دانشکده - یعنی فقدان یک راهبرد و گفتمان مشترک در حوزه انتخاب موضوع پایان‌نامه از یک‌سو، و اختیار نمودن تعاریف و رویکردهای شخصی توسط اساتید راهنما از سوی دیگر - شکل‌گیری پدیده «پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های جزیره‌ای» بوده است که حکایت از فقدان هم‌افزایی میان فعالیت‌های پژوهشی در دانشکده دارد. به‌طور کلی در نبود سازوکارهای هماهنگ‌کننده و جهت‌بخشنده به فعالیت‌های پژوهشی، نظیر وجود

روابط ارگانیک و مناسب میان سه بخش دانشگاه، دولت و صنعت و یا وجود یک راهبرد رسمی و الزام‌آور، انباشت تدریجی دستاوردها و یافته‌های پژوهشی به‌خوبی صورت نمی‌گیرد. این امر منجر به توقف جامعه دانشگاهی در مرحله مقدمات و کلیات علوم و هنرها، تکرار سطحی مطالب قبلی و عدم دستیابی به مراحل پیشرفته پژوهشی شده و طبعاً مانع تولید تألیفاتی در مرزهای دانش، رفع نیازهای جامعه و تولید دانش بومی می‌شود. اساساً امر پژوهش در جهان امروزی، ماهیت و ذات گروهی، همکارانه و نهادی دارد و برخلاف گذشته دیگر نمی‌تواند به شکل انفرادی و به‌صورت جزیره‌های مجزا صورت بگیرد. با درک ضرورت هدفمندشدن پایان‌نامه‌ها و تعیین مأموریت شخصی برای آنها، وزارت علوم طی دهه جاری تلاش‌های مکرری انجام داده است که متأسفانه نتایج اجرای آن تاکنون انتشار نیافته است. مثلاً در سال ۱۳۹۱ وزارت علوم «آئین‌نامه هدفمندسازی رساله‌های دوره دکتری در رشته‌های علوم انسانی و هنر» را تصویب و به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌نماید و گروه‌های آموزشی را ملزم می‌نماید ظرف مدت چهار ماه، در هماهنگی با اولویت‌های اسناد بالادست (نظیر سند چشم‌انداز، نقشه جامع علمی و برنامه پنج‌ساله توسعه کشور و ...)، «برنامه جامع گروه» و «برنامه‌های پژوهشی عضو هیئت علمی گروه» را تدوین و اعلام نمایند (معاونت پژوهشی و فناوری وزارت علوم، ۱۳۹۱). مجدداً در سال ۱۳۹۵ معاون پژوهشی وزارت علوم اعلان می‌نماید که تصمیم و برنامه دارند تا همه پایان‌نامه‌ها، از جمله پایان‌نامه‌های حوزه علوم انسانی را هدفمندسازی و مأموریت‌گرا کنند (معاونت پژوهشی و فناوری وزارت علوم، ۱۳۹۵). علیرغم این تلاش‌ها هنوز جامعه دانشگاهی ایران وضعیت موجود را مطلوب ارزیابی نمی‌کند. یکی از اساتید دانشگاهی و از نمایندگان مجلس اظهار می‌کند که ارزیابی‌ها نشان داده‌اند که تحقیقات در کشور به‌صورت جزیره‌ای انجام می‌شود و انجام آن در قالب برنامه‌ای جامع نیست و لذا نمی‌توان از طریق آن به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله مبنی بر قدرت اول علمی شدن در منطقه دست‌یافت (خوش‌چهره، ۱۳۹۶).<sup>۱</sup> استاد دیگری نیز اعلام می‌دارد که هدفمندی پایان‌نامه‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی، نه در گروهی تدوین فقط یک آئین‌نامه و دستورالعمل، بلکه در گروهی طراحی و ایجاد ساختارهای لازم در بدنه پژوهشی کشور، اصلاح نظام تأمین منابع، نظام توزیع اعتبارات پژوهشی، ایجاد ارتباط مؤثر و کارآمد بین ابتکارات، ابداعات و اختراعات حاصل از فعالیت‌های دانشگاهی با بدنه اقتصاد (یعنی بنگاه‌های تولیدی، خدماتی و مالی) است (فتح‌اللهی، ۱۳۹۶).<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> خوش‌چهره، محمد (۱۳۹۶) گفتگو با خبرگزاری مهر، ۱۳/۷/۱۳۹۶

جای سال ۹۶، خبری در سال ۸۶ پیدا شد: خوش‌چهره، محمد، ۱۳۸۶، تعارفات و تحقیقات جزیره‌ای ما را به اهداف سند چشم‌انداز نمی‌رساند،

<sup>۲</sup> فتح‌اللهی، یعقوب (۱۳۹۶) گفتگو با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۵/۲۲



این پژوهش همچنین نشان داده است که میزان احساس نیاز به تغییر و تحول در دانشکده معماری و شهرسازی در راستای بهینه‌سازی فرایند کنونی انتخاب پایان‌نامه نزد مشارکت‌کنندگان متفاوت است. فقدان یک راهبرد مدون برای انتخاب موضوع پایان‌نامه در دانشکده، از یک منظر بدل به فرصتی برای شماری از اساتید راهنما گردیده تا ایشان قادر باشد سبک و دیدگاه شخصی خود را آزادانه دنبال نموده و برنامه پژوهشی خاص خود- هرچند به صورت نامدو- را به اجرا درآورند. این بخش از مشارکت‌کنندگان، به‌طور کلی ارزیابی مثبتی از وضعیت گروه آموزشی خود در این زمینه نشان داده و دستاوردهای خود را قابل مقایسه با استانداردهای بین‌المللی می‌بینند. بخش بزرگتری از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، نیاز جدی برای انجام تغییر و تحول اساسی در دانشکده جهت بهینه‌سازی فرایند انجام پژوهش‌ها، از جمله مرحله انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها احساس و ابراز نموده‌اند. تغییرات موردنظر این گروه صرفاً محدود به لزوم تدوین سازوکارهای هماهنگ، جهت فائق آمدن بر فعالیت‌های بی‌هدف و جزیره‌ای محدود نبوده و لزوم انجام تحولات نهادی در سطح گروه‌های آموزشی، دانشکده معماری و شهرسازی، و دانشگاه در راستای برقراری ارتباط معنادار و مؤثر با حرفه و صنعت معماری و ساخت‌وساز و نهادهای دولتی و حاکمیتی ذی‌ربط می‌گردد.

این پژوهش، از نظر روش‌شناختی، آموزشی-پژوهشی و نهادی استلزامات معینی دارد. از نظر روش‌شناختی، مدل پارادایمی مستخرج از مطالعه کیفی- استقرائی حاضر، می‌تواند در تحقیقات آتی به‌عنوان یک «فرضیه» به شیوه کمی- قیاسی مورد آزمون و راستی‌آزمائی قرار گیرد. همچنین، از آنجایی که مطالعه حاضر صرفاً از دیدگاه یک گروه از کنشگران عرصه انتخاب موضوع پایان‌نامه، یعنی اساتید راهنما انجام شده است، لازم است که برای درک جامع‌تر از این پدیده، تجربه زیسته کنشگران دیگر، به ویژه دانشجویان نیز در پژوهش‌های آینده مورد مطالعه قرار بگیرد. این پژوهش بر لزوم شکل‌گیری یک فهم مشترک از تعریف پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ویژگی‌های آن و فرایند انتخاب موضوع آن نزد اعضای هیئت‌علمی دانشکده معماری و شهرسازی دلالت دارد. شکل‌گیری چنین فهم مشترکی، هرچند به صورت ضمنی، لازمه فائق آمدن بر معضل پایان‌نامه‌های جزیره‌ای و بالابردن میزان هم‌افزایی میان یافته‌های پژوهشی دانشکده است. دستیابی به وفاق بین‌الذهانی و اقدام مشترک و هماهنگ نیازمند تمهیدات خاصی است که طیفی از راهبردهای سخت تا راهبردهای نرم را دربرمی‌گیرد. راهبردهای مزبور، شامل راهبردهای سخت و رسمی، نظیر تدوین «سند راهبردی آموزشی- پژوهشی» دانشکده، به‌عنوان ابزار جهت‌بخشی و هماهنگ‌ساز فعالیت‌ها، و راهبردهای «نرم» و غیررسمی نظیر برگزاری جلسات حضوری و مجازی هم‌اندیشی باهدف آفریدن «گفتمان» یا «خرده-

گفتمان»هایی در مورد تعلیم و تربیت مناسب در دانشکده معماری و شهرسازی و نقش پایان نامه در آن می‌شود. این مطالعه، امر انتخاب موضوع پایان نامه را به‌عنوان یک «فرآیند تصمیم‌گیری و حل مسئله» مورد تأکید قرار می‌دهد و لزوم توجه بیشتر به کاربرد فنون و روش‌های سیستماتیک شناخته‌شده در «علوم تصمیم‌گیری» نظیر فنون تحلیل ریخت‌شناسی موضوع پایان نامه، تحلیل درخت رابطه، تصمیم‌گیری چند معیاره و ... را توصیه می‌نماید.

پژوهش حاضر، بر لزوم توجه دقیق به تکرر «فرهنگ‌های رشته‌ای» در دانشکده معماری و شهرسازی و لزوم اتخاذ راهبردهای منعطف در امر برنامه‌ریزی آموزشی - پژوهشی دلالت دارد. به‌بیان دیگر، «تکرر و تنوع فرهنگ»های رشته‌های موجود در دانشکده، لازم است که از منظر راهبردی، نه به مثابه «عدم تجانس» و چالش، بلکه به‌عنوان «تنوع فرهنگی» رشته‌ها و یک «فرصت» در امر برنامه‌ریزی آموزشی - پژوهشی تلقی و لحاظ گردد. سلطه پارادایم و الگوی یک فرهنگ رشته‌ای خاص بر دیگر رشته‌ها، هرچند که با توجیه و بهانه هماهنگ‌سازی امور صورت پذیرد، دانشکده را از امکان تعامل و درهم‌آمیزی خلاقانه میان رشته‌ها و فرهنگ‌های رشته‌ای متنوع، مانند فرهنگ هنری، مهندسی، جامعه‌شناختی و غیره محروم می‌سازد. این پژوهش، همچنین بر لزوم تقویت تفکر بازاندیشانه - انتقادی و «قوه پرسش‌پردازی» دانشجویان پیرامون مسائل محیطی به‌منظور غلبه بر بحران «فقر پرسشگری و بی‌سوالی» و انفعال ذهنی دانشجویان در مرحله انتخاب موضوع پایان نامه دلالت دارد. از این رو لازم است که پرورش دانشجویان در راستای افزایش حساسیت محیطی، تفکر واگرا و کشف پرسش‌های معتبر توسط ایشان، در برنامه‌ریزی درسی مورد توجه قرار گیرد. چنین اقدامی، زمینه‌ساز پذیرفتن نقش فعالانه‌تری از سوی دانشجویان در فرآیند انتخاب موضوع پایان نامه است، و گامی مهم در راستای احقاق حق قانونی و طبیعی ایشان در این مورد خواهد بود. تأسیس یک واحد برنامه‌ریزی راهبردی آموزشی - پژوهشی در دانشکده معماری و شهرسازی که با همکاری گروه‌های آموزشی، مسئولیت پایش و سنجش کیفیت آموزشی - پژوهشی موسسه، از جمله کیفیت فرآیند انتخاب موضوع پایان نامه‌ها، بازنگری مستمر محتوای برنامه‌های درسی و آینده‌پژوهشی و چشم‌انداز سازی برای افتتاح دوره‌های جدید را بر عهده داشته باشد، از جمله توصیه‌های مطالعه حاضر است. نهایتاً، این پژوهش حل مطلوب مسئله انتخاب موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و هدفمندسازی آنها را به‌طور سیستماتیک در گروهی حل مسائل کلان‌تری نظیر تعریف محتوایی پایان‌نامه و نقش آن در برنامه درسی هر دوره، شفاف‌سازی فلسفه و علت وجودی دوره‌های آموزشی و برنامه‌ریزی راهبردی و اختلاف نهادی در دانشکده می‌داند و بازتعریف صحیح روابط متقابل میان دانشکده با حرفه معماری و شهرسازی (صنعت ساختمان)، نهادهای سیاست‌گذار دولتی - همگانی (نظیر وزارت علوم، وزارت راه و شهرسازی، میراث فرهنگی و گردشگری...) و جامعه مدنی (سمن‌های مرتبط با مسائل معماری محیط) ضروری دانسته و برنامه‌ریزی و اقدام در راستای آن را توصیه می‌نماید.

## فهرست منابع

- توکل، م.، ذوالفقاری، م.، ۱۳۹۲، مشکلات در انتخاب موضوع پایان‌نامه: مطالعه‌ای کیفی در میان دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران، نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، د ۷، ش ۲۰، صص ۳۲-۱۵.
- جوکار، ط؛ مروتی، م. ۱۳۹۵، بررسی وضعیت روابط دانشگاه، صنعت و دولت در تولیدات علمی بر اساس مدل ماریچ سه گانه. سیاست علم و فناوری، ۳۱، ۷۱-۸۵.
- حسین‌پناه، ع.، ۱۳۸۹، بررسی گرایش موضوعی و روش پژوهش پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران از سال ۱۳۷۹-۱۳۸۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه تهران.
- حسین‌پناه، ع.، شیرزاد، م.، ۱۳۹۳، بررسی سیر گرایش روش پژوهش پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰، دانش‌شناسی، ۷۵، ش ۲۶، صص ۲۹-۴۰.
- خاکباز، ع. ۱۳۹۳، شناسایی یک چهارچوب مطالعاتی برای فرهنگ رشته‌ای در برنامه‌های درسی آموزش عالی. مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی، ۱۰، ۷-۳۲.
- خوش‌چهره، محمد، ۱۳۸۶، تعارفات و تحقیقات جزیره‌ای ما را به اهداف سند چشم‌انداز نمی‌رساند، گفتگو با خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۱۰/۱۵، دسترسی از طریق آدرس: <https://www.mehrnews.com/news/615873/>
- دانایی‌فرد، ح.، ۱۳۸۸، تحلیلی از موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: توصیه‌هایی برای بالا بردن ظرفیت سیاست علمی ایران، سیاست علم و فن‌آوری، سال ۲، ش ۱، ۱۳۸۸، صص ۱۶-۱.
- دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳، اولین سند راهبردی دانشگاه: چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله، دسترسی از طریق وب‌سایت رسمی دانشگاه به آدرس: <https://www.sbu.ac.ir/PRESIDENCY/StrategySBU/Pages/default.aspx>
- درخشان‌فر، ح.، شهرامی، ع.، حاتم‌آبادی، ح.، امینی، ا.، و شریفی، ع.، ۱۳۹۱، بررسی معیارهای انتخاب موضوع پایان‌نامه و استاد راهنما از دیدگاه دانشجویان پزشکی. فصلنامه توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۳(۳)، ۴۹-۵۷.
- دررودی، ع.، دررودی، ع.، رشیدیان، ح.، و درودی، ر.، ۱۳۹۷، اولویت‌بندی معیارهای انتخاب موضوع پایان‌نامه با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) از دیدگاه دانشجویان دکتری. مجله پی‌آورد سلامت، ۱۲(۱)، ۶۲-۶۹.
- شیرزاد، م.، حسین‌پناه، ع.، جوکار، ع.، ۱۳۹۳، بررسی سیرگرایش موضوعی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰، نشریه مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی، ش ۳، صص ۸۸-۷۵.
- عنبری، م.، ۱۳۸۷، تحلیل مسائل و کاستی‌های پژوهش‌های نوین در جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران، روستا و توسعه، د ۱، ش ۱، صص ۳۴-۱.
- فتح‌الهی، ی.، ۱۳۹۶، گفتگو با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۵/۲۲
- کسرابی، م.، پوزش شیرازی، ع.، ۱۳۸۸، نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی. فصلنامه سیاست، د ۳۹، ش ۳، صص ۳۶۰-۳۳۹.
- لک، آ.، ۱۳۹۳، کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری؛ صفة، د ۲۴، ش ۱، صص ۶۰-۴۳.
- مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دسترسی از طریق وب‌سایت رسمی مجلس شورای اسلامی به آدرس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94172>
- ملکی، ح.؛ حاجی تبار فیروزجایی، م.؛ قاسم تبار، س.ن.؛ ۱۳۹۰، تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره تحصیلات تکمیلی رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی، شهید بهشتی و تربیت مدرس از سال ۸۰-۸۸، مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی، ش ۴، صص ۱۰۸-۸۵.

- معاونت پژوهشی و فناوری وزارت علوم، ۱۳۹۱، گفتگو با معاون پژوهش وزارت علوم و مدیر کل برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پژوهشی وزارت علوم، خبرگزاری مهر
- معاونت پژوهشی وزارت علوم، ۱۳۹۵، گفتگو با وحید احمدی، خبرگزاری مهر
- میرریاحی، س.، ۱۳۸۳، جایگاه پایان نامه تحصیلی در نظام آموزش معماری، مطالعه موردی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۹-۱۳۳۹)، صفحه، د ۱۴، ش ۳۹، صص ۱۵۹-۱۳۹.
- نیک‌سیرت، م.، بدری، س.ع.، رضوانی، م.، ۱۳۹۱، عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع تحقیقات علمی دانشجویان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۸ (۳)، صص ۸۷-۱۱۰.
- نگهبان، ز.، جاویدی کلاته جعفرآبادی، ط.، آهنچیان، م.، ۱۳۹۵، عوامل مؤثر بر انتخاب موضوع پایان‌نامه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد، فصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی، ش ۱۰، صص ۱۲۰-۱۱۱.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۷۳) آئین نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته مصوب ۱۳۷۳ / ۱۰ / ۲۵، شورای برنامه ریزی آموزش عالی.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۳) آئین نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته ...
- یمنی‌دوزی سرخابی، م. و مظفری، ف.ا.، ۱۳۸۸، بررسی عوامل مؤثر بر تجارب پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، د ۱۰، ش ۱، صص ۱۰۰-۸۳.
- Barr, M.A., 1984, The selection of a dissertation topic: Elements influencing student choice (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Becher, T. (1987). Disciplinary discourse. *Studies in Higher Education*, 12(3), 261–274.
- Biglan, A. (1973). The characteristics of subject matter in different academic areas. *Journal of Applied Psychology*, 57(3), 195.
- Borden, I., & Ray, K. R. (2014). *The Dissertation: A Guide for Architecture Students*. Routledge.
- Ciaran, D., 2011, The place of literature review in grounded theory research, *International journal of social research methodology*, 14(2): 111-124.
- Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). The dynamics of innovation: from National Systems and “Mode 2” to a Triple Helix of university--industry--government relations. *Research Policy*, 29(2), 109–123.
- Fakhra, S., Saeed, G., Ashraf, M., Nisar, N., & Akhter, T. (2015). Factors leading to Topic Selection for Dissertation writing by Post Graduate Medical Residents. *Ann. Pak. Inst. Med. Sci*, 11(3), 119–123.
- Harvard University, 2018, Urban planning and design thesis handbook (2018-19), accessed at: [https://www.gsd.harvard.edu/wp-content/uploads/2018/08/UPD-Thesis-Handbook\\_2018-19.pdf](https://www.gsd.harvard.edu/wp-content/uploads/2018/08/UPD-Thesis-Handbook_2018-19.pdf)
- Hart, C. (2005). *Doing your masters dissertation*. Sage.
- Holland, J. L. (1997). *Making vocational choices: A theory of vocational personalities and work environments*. Psychological Assessment Resources.
- Ilesanmi, A. O. (2016). Doctoral research on architecture in Nigeria: Exploring domains, extending boundaries. *Frontiers of Architectural Research*, 5(1), 134–142
- Isaac, P.D., Koenigsnecht, R.A., Malaney, G.D. and Karras, J.E., 1989, Factors related to doctoral dissertation topic selection. *Research in Higher Education*, 30(4), pp.357-373.
- Jones, W. A. (2011). Variation among academic disciplines: An update on analytical frameworks and research. *Journal of the Professoriate*, 6(1), 9–27.

- Kozma, K.J., 1997, Perception of factors which affect the selection of a dissertation topic in a distance learning doctoral program (Doctoral dissertation, Walden University).
- Lincoln, Y.S. and Guba, E.G., 1985, Establishing trustworthiness. *Naturalistic inquiry*, SAGE, Thousand Oaks, pp. 289-331.
- Longhurst, R., 2003, Semi-structured interviews and focus groups. *Key methods in geography*, 3, pp.143-156.
- MIT Libraries, n.d, Selecting a Research Topic, Accessed at: <https://libguides.mit.edu/select-topic>
- QAA (2015) UK Quality Code for Higher Education, QAA, Gloucester, Quality Assurance Agency, available at: [www.qaa.ac.uk/quality-code/UK-Quality-Code-for-Higher-Education-2013-18](http://www.qaa.ac.uk/quality-code/UK-Quality-Code-for-Higher-Education-2013-18)(accessed 5 February 2019)
- QAA (2014) The Frameworks for HE Qualifications of UK Degree-Awarding Bodies, QAA, Gloucester, Quality Assurance Agency, available at: [www.qaa.ac.uk/quality-code/qualifications-and-credit-frameworks](http://www.qaa.ac.uk/quality-code/qualifications-and-credit-frameworks) (accessed 5 February 2019).
- SCARP, n.d., Mission and goals, Accessed at: <https://scarp.ubc.ca/mission-and-goals>
- Sessions, R.R., 1971, Factors related to dissertation topic selection: Student personnel and guidance. *Dissertation Abstracts International*, 5554-A.
- Smart, J. C., Feldman, K. A., & Ethington, C. A. (2000). *Academic disciplines: Holland's theory and the study of college students and faculty*. Vanderbilt University Press.
- Strauss, A. and Corbin, J., 1989, *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage publications.
- University of Sydney Library, n.d, Research plan, Accessed at: <https://library.sydney.edu.au/help/online-training/downloads/researchplan.pdf>
- Xia, J., 2013, A Mixed Method Study on Students' Experiences in the Selection of a Dissertation Topic (Doctoral dissertation, Arizona State University).

# نسخہ پیش پیش / انتشار